

ژاپن و ایران باستان

Japan & Ancient Iran

- شکل گیری تشکیلات سیاسی- فرهنگی ژاپن در رابطه با جاده ابریشم-

نگارش جمشید جمشیدی

این نوشتار شامل مجموعه مقالات مربوطه می شود که برخی از آن ها نگارش خود نویسنده و برخی دیگر برگردان فارسی فصولی از کتاب های پژوهشگران ژاپنی است.

توجه خواننده محترم را به نکات زیر جلب میکنم:

- ۱- در برگردان مقالات، معادل انگلیسی برخی از واژگان بوسیله خود مترجم در پای نوشت افزوده شده است .
- ۲- در باره برخی مطالب که در متن اصلی برای خواننده نامانوس و احیانن غیر شفاف بوده توضیحاتی داده شده است
- ۳- لازم به یاد آوری است تنها در مواردی که خود مترجم مناسب دانسته است فرتور درون متن اصلی در برگردان هم نمایش داده شده است. در صورت کیفیت پائین فرتور متن اصلی از فرتور مناسب تری استفاده شده است.



فهرست مطالب

فصل یکم- برگردان از کتاب "تاسیس ژاپن بوسیله مهاجرین در مسیر جاده ابریشم"^۱
نوشته تسوتومو کوچی
صفحه ۲۷-۳

سر آغاز

پیش گفتار

فصل دوم- تقدس آتش و آب در فرهنگ ژاپن
- و تأکیدی بر پیوندهای ایرانی آن-
نگارش جمشید جمشیدی

پیش گفتار

آتش و آب در استوره

آتش افروزی در پیشواز از ارواح و بدرقه آن ها

جشن های آتش و آب در استقبال از فرارسیدن فصل بهار

جشن آتش در آیین شوگن دو

تقدس آب و آتش و خاک در کشتزارها

ستایش آتش در ایران

تقدس آب در فرهنگ ایران

¹シルクロード渡来人が建国した日本—秦氏、蘇我氏、藤原氏は西域から来た一、久慈 力、現代書館 2005

فصل یکم - کتاب "تاسیس ژاپن بوسیله مهاجرین در مسیر جاده ابریشم"^۲

نوشته تسوتومو کوچی

برگردان فارسی: جمشید جمشیدی

سر آغاز

ژاپن با مهاجرت سه سرکرده قبایل کوچ نشین از جاده ابریشم به این کشور شکل گرفت و تاسیس شد.

فرایند شکل گیری و تاسیس ژاپن در رابطه با جاده ابریشم به یقین می پیوندد.

تعاریف گوناگونی برای توصیف فرایند شکل گیری و تاسیس کشور ژاپن وجود دارد، ولی من در این جا به اختصار به مرور چند توصیف در رابطه با محوریت طوایف عصر باستان و شکل گیری و تاسیس ژاپن می پردازم.

۱- فکر میکنم این توصیف که "شکل گیری و تاسیس ژاپن با محوریت طوایف عصر باستان از جمله خانواده های هاتا^۳، سوگا^۴ و فوجی وارا^۵ انجام گرفت" با مخالفتی روبرو نخواهد شد. ولی تبار این طوایف مجهول است.

۲- اما اگر بگوئیم "شکل گیری و تاسیس ژاپن اصولن بوسیله مهاجرت سه طایفه هاتا، سوگا و فوجی وارا از طریق شبه جزیره کره انجام گرفت" با مخالفت بخشی از افراد روبرو خواهیم شد ولی اکثرن این توصیف را می پذیرند. ولی تبار این طوایف را چینی یا کره ای دانستن سوال برانگیز است.

۳- تعریف جاده ابریشم در توصیف "شکل گیری و تاسیس ژاپن با محوریت سه طایفه مهاجر از جمله هاتا، سوگا و فوجی وارا از جاده ابریشم بوقوع پیوست" غیر شفاف است و سبب رضایت عده کمتری می شود. نگارنده با این وجود بدون ترس از این عکس العمل منفی یا سوء تفاهم ها به ارایه یک جمع بندی شخصی تلاش میکند.

در برابر این توصیف که "شکل گیری و تاسیس ژاپن با مهاجرت سه طایفه کوچ نشین سوارکار یعنی هاتا، سوگا و فوجی وارا از طریق هند، چین و شبه جزیره کره به این خطه انجام می گیرد. مضافا شجره هر سه طایفه در کشورهای جاده ابریشم از جمله اورینت، پرشیا و آسیای میانه بود." احتمالن اکثر مردم عکس العمل منفی نشان میدهند و آن را "غیر قابل باور" یا "برای قانع شدن احتیاج به توضیح هست" میدانند.

اما نگارنده در طول نگارش این کتاب به حقیقت توصیف بالا بیشتر یقین پیدا کردم. حال باید ببینیم این سه طایفه بزرگ چگونه و در چه برهه زمانی شکل گرفتند و از کدام مسیر وارد مجمع الجزایر ژاپن شدند، و بالاخره چگونه به شکل گیری و ساختن کشور ژاپن پرداختند. من این موضوعات را در رابطه با جاده ابریشم به گونه مفصل تشریح میکنم. .

جاده ابریشم جاده فرهنگ و دین است.

^۲ シルクロード渡来人が建国した日本—秦氏、蘇我氏、藤原氏は西域から来た—、久慈 力、現代書館 2005

^۳ 秦氏=Shin or Hata

^۴ 蘇我氏=Soga

^۵ 藤原氏=Fujiwara

برای اولین بار ریشت هوفن^۶ جغرافیدان آلمانی در کتاب خود به نام "چین"، جاده ای که در مسیر آبادی های آسیای میانه برای تجارت ابریشم مورد استفاده قرار میگرفت را بنام جاده ابریشم نامگذاری کرد. (زایدن اشتراسه^۷ یا جاده ابریشم). در مقابل این پرسش که اصولن "جاده ابریشم چه نوع جاده ای است؟" پاسخ های متفاوتی دریافت می شود، ما در این جا به پاسخ های بسیار از دو نوع تنگ و فراخ آن می پردازیم.

تنگ ترین تعریف، "جاده ای برای تجارت محصولات ابریشمی" است. وقتی از جاده صحبت می شود تنها راه خشکی نیست اما تعریف "جاده خشکی و آبی جهت تجارت محصولات ابریشمی" هم کامل نیست.

در جاده ابریشم تنها بافته های ابریشمی رد و بدل نمی شد. جاده ابریشم به جهت "جاده خشکی و آبی که مکان کشت درخت توت، پرورش کرم ابریشم، رسیدن نخ ابریشم، بافته های ابریشمی و رد و بدل محصولات ابریشمی" باشد به حق معنای جاده ابریشم را در خود مستتر دارد.

اما جاده ابریشم محدود به انتقال محصولات وابسته به ابریشم نمی شود، بلکه فلزات گران بها، جواهرات، فرش، ظروف چینی، شیشه، ادویه جات، شراب، فراورده های لبنی و دیگر اشیاء در این جاده رد و بدل میشده است. بنابراین جاده ابریشم در عین حال جاده طلا، جاده مروارید، جاده شیشه، جاده سرامیک (ظروف چینی)، جاده ادویات و جاده شیر هم بود. اما در جاده ابریشم تنها تجارت محصولات صورت نمی گرفت بلکه فنون تولید اشیاء هم منتشر میشد. نه فقط فنون تولید اجناس روزمره بلکه فنون معماری و ساختمان قصرها، عبادتگاه، معابد، کاخ ها و شهرهای مرکزی هم جابجا میشد.

اما کارکرد جاده ابریشم باز به این ها منحصر نمی شد. از مسیر جاده ابریشم فرهنگ، هنر، ادبیات و دانش نیز مبادله می شد. ادیان بسیار از جمله بودیسم، هندویسم، یهودیت، مسیحیت، دین نستوری، آئین زرتشتی، مکتب تائو، مکتب کنفوسیوس و بالاخره مکتب اسرار و آئین های تلفیقی از جمله باورهای میروکو (میتزائی)، باور های آمیدا و مکتب گوزو از جاده ابریشم منتشر شدند. بنابراین جاده ابریشم جاده فرهنگ و جاده مذهب هم بود. بدون شک به همراه تجار، دانشمندان، هنرمندان، ادبا و فن آوران، کاهنین و روحانیون و پیروان ادیان هم رفت و آمد داشتند.

جاده ابریشم جاده مستعمره سازی و تاسیس کشور نیز بود

جاده ابریشم علاوه بر گردش اجناس، فرهنگ و مذهب جاده القای نظام اجتماعی و نظام حکومتی هم بود. تشکیلات و قدرت هم از این جاده وارد شد و پیوند یافت. قدرتمندان، کارگزاران و نظامیان هم وارد شدند و استقرار یافتند. برخی از آن ها برای تصاحب خطه ای و برخی هم برای پناهندگی به دیگر مکان ها آمدند. در کتاب "دانش نامه مهاجرین جاده ابریشم"^۸ تالیف بخش آموزش معبد تودای جی^۹ اسامی بسیاری از مهاجرین که از خطه باختر به چین رفتند

^۶ Ferdinand Von Richtthofen, 1877

^۷ Seidenstra ß

^۸ 「シルクロード往来人物辞典」

^۹ Todaiji Temple- معبد بودائی عظیم و کهنی در شهر نارا است. این معبد در سال ۷۴۳ میلادی به فرمان امپراتور شو مو ساخته می شود. بودای این معبد وایروکانا یا خورشید درخشان است.

را منتشر کرده است. از نواحی رم، پرشیا، پارت، کاسی و لولان^{۱۰} اشخاص بسیاری از جمله نزدیکان پادشاهان، نجبا، کاهنین، تجار، دانشمندان، نقاشان، فرستادگان ویژه به دربار تانگ^{۱۱}، مامورین و هنرمندان و غیره مندرج در لیست مهاجرین به چین بوده اند. به عبارتی جاده ابریشم جاده مستعمره یابی و تاسیس کشور با پشتوانه سازمان های اجتماعی، اقتصادی و حکومتی بسیار بوده است. دانشمندان آکادمیک و مورخین به جهت عدم داشتن یک درک و بینش همه جانبه از اختیار این موضع که جاده ابریشم را جاده استعمار و تاسیس کشور بدانند عاجزند. گرایش اخیر در میان مورخین چینی، کره ای و ژاپنی چشمگیر است. به ویژه در تاریخ نگاری فرایند شکل گیری سلسله یاماتو و آنچه که مربوط به جاده ابریشم میشود اندیشه ای که نقش این جاده را به عنوان جاده اسکان گزینی و تاسیس کشور تاکید میکند بطور ارادی مورد بی اعتنائی قرار گرفته و مخدومه میشود. برنامه ویژه جاده ابریشم که از رسانه صدا و سیما ملی ان اچ کی^{۱۲} پخش شد از این جمله است. در این برنامه رابطه سلسله یاماتو و جاده ابریشم منحصر به توضیحات سطحی، متنی عاری از قناعت کافی، استوره پردازی، مثنی حکایات و روایات شبانی است.

رستاخیز امپراتوری اقوام سوارکار در بخش چراگاهی جاده ابریشم

جاده ابریشم از سه بخش بزرگ تشکیل می شود. جاده ابریشم چراگاهی (مراجع)^{۱۳}، جاده ابریشم واحه ها (آبادی ها)^{۱۴} و جاده ابریشم دریای جنوب^{۱۵} از آن جمله اند. در جاده ابریشم چراگاهی که شامل دشت های وسیع بوده و کوچ نشینی رایج، امپراتوری سوارنظامیان کوچ نشین بوقوع می پیوندد. در مسیر جاده ابریشم آبادی ها اقوام کشاورز زندگی می کردند و حاکمین بر این مردم سلسله های شاهی را بنیان گذاشتند. اما در جاده ابریشم دریای جنوب اساسن تجارت کالا رایج بوده و از جمله تجاری که عمودتن در سواحل دریای مدیترانه، اقیانوس هند و اقیانوس آرام از راه تجارت موفق به ثروت اندوزی شدند رژیم پادشاهی خودشان را تاسیس کردند. بخش چراگاهی جاده ابریشم شامل جاده پیوسته چراگاهی شمال قاره یوراسیا^{۱۶} می شود. در مسیر این جاده و در جنوب روسیه اقوام کوچ نشین سوارنظام به نام اسکیتای یا سکائی ها فرهنگ سکائی را پایه گذاشتند که با عبور از طریق چراگاه های جاده ابریشم به فلات مغول و سرزمین چین گسترش یافت. اسکیتای اقوامی بودند که پس از اضمحلال پادشاهی اقوام اسرائیلی در این مناطق و پراکندگی آن ها در هشت قرن قبل از میلاد تحت تاثیر بسیار این اقوام قرار گرفته بودند. تحت تاثیر فرهنگ اسکیتای اقوام سوارکار دیگر از جمله اقوام زرد پوست مغولی از نوع هون ها، سابی^{۱۷}، اُیغورها^{۱۸} و مغول وفویو بوجود آمدند که در منطقه افت و خیز

¹⁰ Laulan

¹¹ Tang dynasty- سلسله حکومت مقتدری که به سرزمین چین وحدت بخشید. از سال ۶۱۸ تا ۹۰۷ میلادی فرمانروائی کرد.- م

¹² Nippon Hoso Kyoku(NHK)

¹³ Steppe Silk Road

¹⁴ Oasis Silk Road

¹⁵ Sea Silk Road

¹⁶ Eurasia

¹⁷ 鮮卑 (せんび) =Sabi or Chinese name=Hsiung-nu

داشتند.

زمانی اقوام کاسی که ریشه در کاسیت ها، مردمی که در بابل حکومت پادشاهی را بنا کرده بودند داشتند از طریق چراگاه های جاده ابریشم به تجارت مهره و ظروف مهره ای در خُتن شرقی و باکتریای غربی مشغول بودند به این جاده "جاده مهره" می گفتند. افزون بر این، در خطه مناطق غربی چین حکومت پادشاهی یو اِچی^{۱۹} نامی وجود داشت که تازه از زیر یوغ رم رهایی پیدا کرده بودند و از دین مسیحی و نستوری پیروی می کردند. این پادشاهی وطن مادری هاتا، خانواده پر قدرت ژاپنی نیر هست. در مسیر این جاده اسب که قادر می بود در روز صدها کیلومتر بدود به عنوان وسیله حمل و نقل مورد استفاده قرار می گرفت. در جاده ابریشم کاروان های زینت آلات طلا، ظروف شیشه ای، ابریشم و ظروف لعابی و غیره تجارت میشد و از این خاطر به این جاده "جاده شیشه" هم اطلاق می کردند.

در بخش آبادی های جاده ابریشم ملل تاجر و ملل مذهبی به فعالیت می پرداختند

بخش جاده ابریشم واحه ها، پارچه آبادی ها را در بیابان های میان شهرهای قاره یورواسیا به هم متصل می کرد. این جاده حدود ده قرن قبل از میلاد گشوده شد تا اجناسی از قبیل ابریشم، سفال های منقوش، طلا و نقره و ظروف مسی رد و بدل گردد. شتر که قادر است حتا به مدت یک هفته بدون نوشیدن آب حرکت کند و به "کشتی بیابان" نیز نامیده میشد به عنوان اصلی ترین وسیله حمل و نقل مورد استفاده قرار می گرفت. در مسیر این جاده، در آسیای غربی پادشاهی پارت ها، پادشاهی باکتریا و در سرزمین های باختری چین پادشاهی لولان، امپراتوری هاتا و در مناطق حاشیه بیابان قره قوم^{۲۰} که به چهار واحه ی بزرگ معروف بود پادشاهی خُتن، پادشاهی کوشان، امپراتوری های هان ها (هون ها)، تانگ ها که شهرهای کاراجار و کاشغر و سی آن^{۲۱} را پایتخت خود قرار داده بودند شکوفا شدند. در این کشور عموم نژادهای سفید پوست قفقازی و هون ها غالبیت داشتند. در نواحی دون هوآن^{۲۲} و یان گوآن^{۲۳} از استان گانسو^{۲۴} چین که مرکز فرمانروایی پادشاهی خُتن بود محل سکونت هاتا نیز شناخته میشد که در آن جا صنایع بافندگی نخی و ابریشمی رواج داشت. آن ها به حق بازیگران اصلی "جاده ابریشم" بودند. خانواده هاتا را میتوان منتسب به قوم اسرائیل دانست که در عهد عتیق به جاده ابریشم رو آوردند، اما حقایق در مورد آن ها به جهت تداخلات، تلفیقات و تغییرات زمانی، اجتماعی و مذهبی که تنوعات را به همراه دارد شفاف نیست.

¹⁸ Uyghur

¹⁹ Yueh-Chih

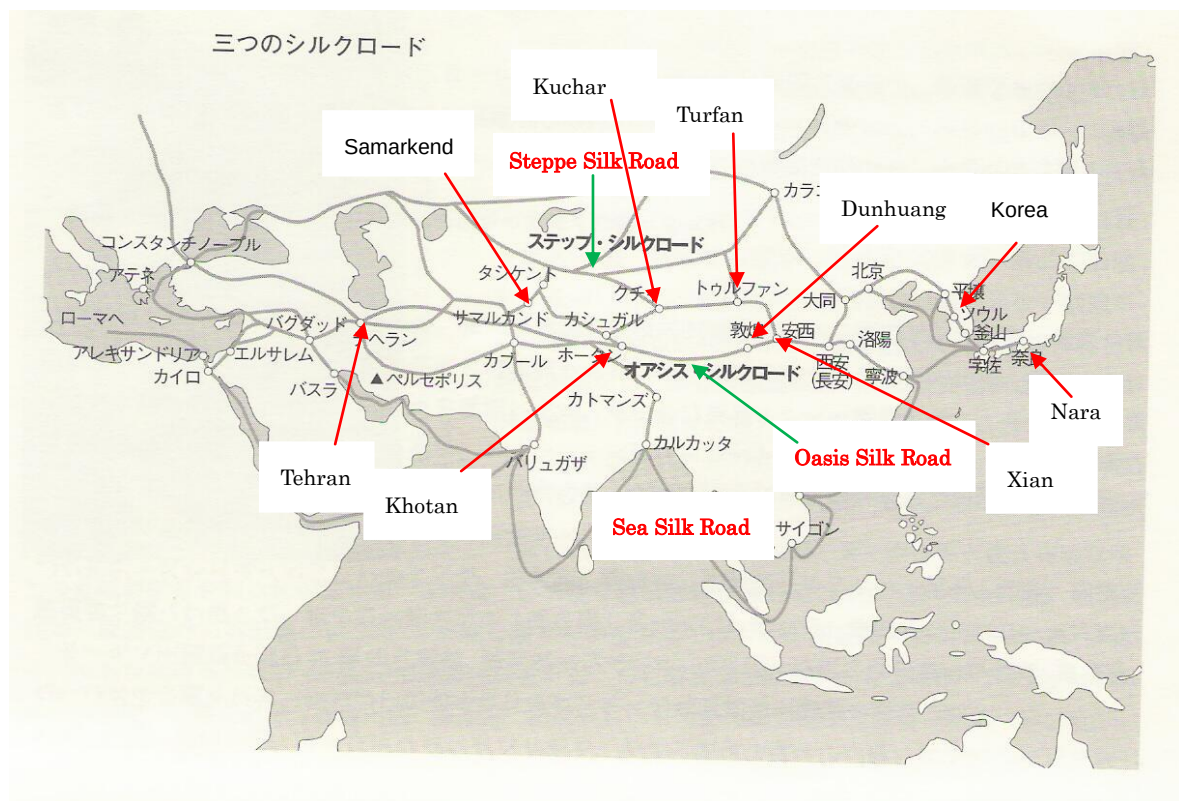
²⁰ Takla-Makan desert- بیابان قره قوم یک محوطه بسیار وسیعی با مساحت ۵۶۰۰۰۰ کیلومتر مربع است که در طول شرق و غربی ۱۴۰۰ کیلومتر و در عرض شمال و جنوبی ۵۵۰ کیلومتر می باشد. در حاشیه شمالی و جنوبی این بیابان واحه یا آبادی های با رونقی شکل گرفتند

²¹ Xian

²² Dunhuang- سلسله پادشاهی مقتدری در چین که از سال ۶۱۸ تا ۹۰۷ صدارت کرد. -م

²³ Yangguan

²⁴ Gansu



فرتور 1-1 شهرهای در مسیر سه جاده ابریشم نشان داده شده است.

قوم اسرائیل عهد عتیق در ائتلاف با اقوام کوچ نشین سوار کار مثل سکاهاى اسکیتای و کاسی ها که تبارشان به مردم کاسیت میرسد در جاده ابریشم نقش برجسته ای داشتند. دین این مردم هرگز یکپارچه نبود. پیش بینی می شود در میان آن ها پیروان یهودی، مسیحی اولیه، نستوری، بودیسم می روکوئی یا آمیدائی، و حتا پیروان زرتشتی و مانوی وجود داشتند. آن ها علاوه بر این که از جهت جنگ آوری یک ملت سوارکار بر خوردار بودند در زمینه تجارت سود آور کارکشته بودند، و همچنین از وجهه یک ملت دین باور جدی نیز برخوردار بودند.

جاده ابریشم دریای جنوب از بیش از سه هزار سال پیش روی ژاپن تاثیر گذار بود

باز هم به جاده ابریشم دریای جنوب نظر بیافکنیم. در اورینت به جهت این که منابع کافی وجود نداشت مردم مجبور بودند از طریق خشکی و آب بصورت کاروان های تجارتی یا مسافرین دریائی در اقصا نقاط دنیا به تجارت به پردازند. جاده ابریشم دریای جنوب بوسیله فنیقی ها، اسرائیلی ها، یبوسی ها²⁵، کلدانی ها، یونانی ها و رومی ها با هجوم به دریای مدیترانه و اقیانوس هند افتتاح شد.

مردم میان رودان با ساختن کشتی های پاروئی از نی یا کشتی های بادبان دار و ته گود که مردم لبنان با چوب سرو می ساختند با بهره گیری از باد های فصلی و جزر و مد دریا می توانستند با ده ها سرنشین و چند تن جنس با سرعت نسبتن بالائی دریا نوردی کنند.

²⁵مردم یبوسی را از اقوام کنعانی دانسته اند.-م

کشتی‌ها سرنشین‌های خود را در حوالی دریای سرخ یا دریای عرب سوار می‌کردند با عبور از هندوستان و گذشتن از تنگه مراکش به طرف شمال، دریای چین شرقی سفر می‌کردند و احتمالاً در طول چند ماه وارد مجموعه الجزایر ژاپن می‌شدند. با ورود به ژاپن در نقاط مختلف به فعالیت‌های تجاری، اسکان یابی و ثروت اندوزی می‌پرداختند. از اواخر عصر جومون^{۲۶} به بعد مردم سومر، فنیقی‌ها، یبوس‌ها، اسرائیلی‌ها و هیتی‌ها با عبور از جاده ابریشم دریای جنوب به سرزمین ژاپن سفر کرده بودند. در عصر پادشاهی سلیمان قوم اسرائیل عهد عتیق دریانوردان تارشیش^{۲۷} از این جاده به ایجاد مستعمرات صنایع آهن پرداختند و همچنین به تجارت ادویه جات، ظروف سفالی، جواهرات، روغن زیتون، غلات، دارو حتا برده و غیره مشغول بودند. از این جهت است که این جاده به "جاده ادویه جات" و غیره نیز نامیده می‌شود



فرتور ۱-۲ نمونه بازسازی شده کشتی
تارشیش در موزه نارا

جاده سه تونای کای- نانبا- نارا شاهراهی برای دسترسی به مجمع الجزایر ژاپن بوده است
از نقشه جاده ابریشم این گونه استنباط شده است که جاده ابریشم محدود به سرزمین‌های غربی چین است که از یونان و روم شروع شده و با عبور از میان رودان به سرزمین‌های آسیای میانه و از آن جا به هند و سپس به سی‌آن چین ختم می‌شود. اما باید دانست که جاده ابریشم تا شبه جزیره کره، شمال و جنوب چین امتداد دارد و افزون بر این، از طریق جاده آبی با عبور از اقیانوس هند و تنگه مراکش تا مجمع الجزایر ژاپن گسترش داشته است. در ژاپن هم جاده ابریشم تا مناطق گوناگون ادامه داشت.

مهاجرین از مسیر دریای جنوب جاده ابریشم با بهره‌گیری از جریان جزر و مد ژاپنی ابتداء از راه آبی وارد ژاپن می‌شوند و سپس از راه خشکی به نقاط مختلف ژاپن سفر میکنند. از شمال کیوشو وارد و به ترتیب به شهرهای اوسا(استان اویتا)^{۲۸} -هیوشی (استان می‌یازاکی)^{۲۹} -ای

عصر جومون کهن‌ترین عصر پیدایش زندگی در مجمع الجزایر ژاپن بشمار می‌آید که برخی تاریخ آن را به دوازده هزار سال پیش منسوب می‌کنند. این عصر تا دو یا سه قرن پیش از میلاد ادامه داشته است. - م

تارشیش نام دیگر اندلس است که در انجیل ذکر شده است. اندلس از ایلات خود مختار در جنوب اسپانیا - Tarshish^{۲۷} می‌باشد که در مجاورت دریای مدیترانه قرار دارد. - م

می‌توانید موقعیت جغرافیائی مکان‌ها را از روی نقشه ژاپن مشخص کنید- Usa(Oita)^{۲۸}

hyushi(Miyazaki)^{۲۹}

سه(استان می ا) ^{۳۰} - فوجی(استان شیزواوکا) ^{۳۱} - کاشیما(استان می یاگی) ^{۳۲} - کاتوری(استان چیبا) ^{۳۳} - هیداکا می کونی(استان توهوکو) ^{۳۴} - و غیره ژاپن را می پیمایند. مسیر دیگر از راه دریای ژاپن است که شامل مسیر چین- شبه جزیره کره و سه تو نای کای ^{۳۵} است. مسیر دیگری از شمال چین به شبه جزیره کره و از آن جا به مقر پادشاهی های فوسو ^{۳۶}، کوشی ^{۳۷}، تان گو ^{۳۸} و پادشاهی ایزومو ^{۳۹} قابل تصور است

حرکت مهاجرین جاده ابریشم در ژاپن از مهمترین مسیریعی مسیر سه تونای کای - نانبا ^{۴۰} (اوساکا) صورت می گیرد که نهایتن به آسکا- یاماتو- نارا- کیوتو ادامه می یابد. در این میان ایستگاه نارا و کیوتو به عنوان کانون جاده ابریشم قابل ذکر است. تا بحال این طور تصور میشد که "نارا آخرین ایستگاه جاده ابریشم است" یا "شوسواین ^{۴۱} ایستگاه نهائی جاده ابریشم است". ولی باید گفت این تصور حقیقت را بطور کامل باز گو نکرده است، زیرا جاده ابریشم از این مکان ها حتا به نقاط دیگر مجمع الجزایر ژاپن گسترش پیدا کرده است.

از طریق شاهراه سه تونای کای مهاجرین در نقاط شمال کیوشو ^{۴۲}، سان یو ^{۴۳}، شیکوکو ^{۴۴}، و کین کی ^{۴۵} وارد سرزمین ژاپن شدند که از این میان بخصوص نقاط آکو ^{۴۶} و هی می جی در این کتاب به عنوان نقاط پراهمیت یاد می شود. در این کتاب نشان داده خواهد شد که نقاط آکو و هی می جی حتا از نارا و کیوتو قدیمی ترند و پایگاه اصلی مهاجرین قلمداد می شدند. افزون بر آن در این کتاب رابطه معابد شینتوئی و بودائی، مناسک دینی و آثار باستانی در پایگاه های اولیه را با جاده ابریشم به گونه ای همه جانبه به بحث خواهد گذاشت.

30 Ise(Mie)

31 Fuji(Shizuoka)

32 Kashima(Miyagi)

33 Katori(Chiba)

34 Hidakamikuni(Tohoku)

35 瀬戸内海 = seto-nai-kai

36 扶桑王国 = Fuso-okoku

37 越し王国 Koshi-okoku

38 丹後王国 = Tango-okoku

39 出雲王国 = Izumo-okoku

40 難波 = Nanba

41 Shoso-in- ناحیه ای در شهر باستانی نارا نزدیک معبد تودای جی است که اکنون محل نگهداری هدایای با ارزش - پس از مرگ امپراتور مهمانان جاده ابریشم است که به دربار امپراتور شومودر قرن هشتم میلادی شرفیاب شده بودند. - م
همسر او هدایا را در بنای شوسواین جمع آوری کرد و تا به امروز از آن ها محافظت می شود.

42 Kyushu- اشاره به جزیره کیوشو است. به نقشه نگاه کنید

43 Sanyo- سان یو شامل شهرهای یزرگ، نسبتن بزرگ و کوچک بسیار است. مهمترین شهرها شامل کوبه، اوکایاما، - م
هی می جی، هیروشیما و شهر کوچک آکو است که نقطه ورودی مهاجرین به خاک ژاپن شناخته شده است.

44 Shikoku- به نقشه نگاه کنید.

45 Kinki- منطقه کین کی شامل استان های نارا، کیوتو، اوساکا می باشد

46 Ako- شهر کوچکی در منطقه سان یو.



پیش گفتار

قدرتمندان بزرگ ژاپنی از رگه مهاجرین جاده ابریشم بودند

خاندان هاتا از نوادگان باقیمانده اقوام عهد عتیق اسرائیل بودند که از مسیرهای گوناگون وارد مجمع الجزایر ژاپن شدند

امپراتوری یاماتو چوتی^{۴۷} به عنوان اولین حکومت متحدالشکل در مجمع الجزایر ژاپن چگونه تاسیس شد؟ در ابتداء لازم است بطور اختصار در باره نقل و انتقالات اقوام اسرائیل عهد عتیق (از جمله خاندان هاتا) که رابطه ناگسستی با تاسیس ژاپن دارند اشاره کنم. مردم اسرائیل از زمان پادشاهی حضرت سلیمان در حدود ده قرن قبل از میلاد از مسیر دریای جنوب جاده ابریشم از اورینت و سپس هند گذشته و با عبور از کشورهای آسیای شرقی وارد مجمع الجزایر ژاپن شده و از آنجا وارد جزیره کیوشو و منطقه کین کی می شوند، و حکومت خود را که پیوندهائی با عصر یایوی^{۴۸} و یاماتایکوکو^{۴۹} داشت تاسیس می کنند.

در زمانی که پادشاهی اسرائیل انشقاق پیدا کرد اکثر مردم اسرائیل به پرشیا (در سرزمین های ماد) می گریزند و از میان آن ها تجار و صنعتگران به جاده ابریشم روی آوردند. آن ها در مسیر جاده ابریشم سکنا گزیدند و حکومت های شاهی را تاسیس کردند. پادشاهی ختن، پادشاهی یوچی^{۵۰} از آن جمله اند. افزون بر آن خاندان هاتا در شکل گیری سلسله های امپراتوری هاتا، پادشاهی فویو، پادشاهی بکجی^{۵۱}، پادشاهی سیلا^{۵۲} (دو پادشاهی اخیر در شبه جزیره کره بوده است- م) و غیره نقش داشته اند. نگارنده این سطور اسرائیلی هائی که بدین گونه به جاده ابریشم شرقی (به سوی ژاپن و کره- م) هجوم آوردند را با نام عمومی خاندان هاتا ذکر می کند.

سه قرن پیش از میلاد در دوره ای که امپراتوری هاتا در چین شکوفائی داشت گروه بزرگی از دریا نوردان با سر کردگی خوفو^{۵۳} وارد مجمع الجزایر ژاپن شدند. آن ها از مسیر شمال کیوشو، سواحل سه تو نای کای، کین کی و سواحل اقیانوس آرام و دریای ژاپن به خشکی راه یافتند و

47 大和朝廷=Yamato-chotei

48 弥生=Yayoi= تاریخ جامعه ژاپن از عصر جو مون در دوازده هزار سال پیش شروع می شود تا پانصد سال پیش
از میلاد در عصر یایوی ادامه پیدا می کند. عصر یایوی تا دو قرن بعد از میلاد ادامه دارد که بعد از آن وارد عصر پیدایش قیور می شویم

49 邪馬台国=Yamataikoku= یاماتایکوکو مملکت مستقلی بود که اکثر پژوهشگران مکان آن را در جزیره کیوشو و تاسیس آن را در سه قرن بعد از میلاد میدانند. روایت است که در این مملکت هنگامی که سلاطین مرد از برقراری آرامش و سرسامان دادن به اوضاع اجتماعی عاجز شدند برای اولین بار یک زن (به نام هی می کو) را به پادشاهی برگماشتند. در زمان این پادشاه زن اوضاع اجتماعی سروسامان گرفت و از بحران های بیشتر جلوگیری شد. کوجی در کتاب دیگر خود اصل و نسب این زن را خارجی و از مهاجرین جاده ابریشم ذکر می کند- م

50 弓月王国=Yueh-Chi= مردمی ایرانی تبار بودند که از منتهالیه شرق آسیای میانه مهاجرت کردند- م

51 百濟=Bekje

52 新羅=Silla

53 徐副=Xufu= شخص استوری است که از چین به دستور هاتا برای یافتن داروی ضد پیری وضد مرگ با گروه خود از راه دریا به ژاپن سفر میکند. اما او که عاجز به یافتن این دارو می شود هرگز به چین باز نمی گردد. نام این شخص استوره ای به ژاپنی جوفوکو است و معروف به کسی است که کشت برنج را در ژاپن رواج داد. در شهرهای بسیاری در ژاپن مسجده این شخص به نشانه احترام از او ساخته شده است. - م

برهه فرهنگی نیمه پیشین عصر یابوی را پی ریزی کردند. افزون بر این پس از انقراض امپراتوری هاتا بسیاری به شبه جزیره کره پناهنده شدند. اما این دسته از پناهندگان به جهت اجتناب از وقوع اغتشاش در سرزمین های حکومت های بکجی، سیلا و گوکوریو^{۵۴} از کره به مجمع الجزایر ژاپن نقل مکان کردند.

بنابراین از سه قرن پیش از میلاد مهاجرین بسیاری با ریشه خُتنی، یواچی که خود را از تبار هاتا میدانستند از طریق شمال کیوشو به سه تو نای کای و کین کی وارد شدند. این مهاجرین به عنوان کاردنانان پرورش کرم ابریشم، معمار و طلاکار در دربار امپراتوری یاماتوچوته ی به کار گماشته شدند.

از حدود قرن چهارم میلادی است طوایف سوارکار منتسب به حکومت های فویو (سیلا، بکجی، گوکوریو) و همچنین کایا^{۵۵} و کاسی ها^{۵۶} در مجمع الجزایر ژاپن سکنا گزیدند. این مهاجرین در شمال کیوشو و منطقه کین کی و غیره "پادشاهی هاتا"، "پادشاهی تان با"^{۵۷} و "پادشاهی آسکا"^{۵۸} و غیره را تاسیس کردند و در نهایت حکومت متحد مهاجرین قدرتمند را با استقرار امپراتوری یاماتوچوته ی تحقق بخشیدند.

اما این "اقوام سوار کار" آن طور که آقای اینو^{۵۹} نیز تاکید میکند از نوع سوار کاران ساده مناطق شمالی و یا ملل تونگوس^{۶۰} نیستند. آن ها مللی هستند که در مسیر جاده ابریشم به فعالیت های تجاری، تبلیغات دینی، مستعمره سازی و حتا گشور گشائی پرداختند و به ملل همه فن حریف تبدیل شده بودند.

در اطراف دربار یاماتو چوته ی قدرتمندان بسیاری منتسب به خاندان مونوبه^{۶۱}، سوگا^{۶۲}، هاتا، فوجی وارا، کاتسوراگی^{۶۳}، اوتومو^{۶۴}، کینو^{۶۵}، هه گوری^{۶۶} و کوسه^{۶۷} و غیره وجود داشتند که سرکردگان آن ها در عین حال خود را مدعی پادشاهی می دانستند. اما آن ها به تنهایی از قدرت صدارت در دربار عاجز بودند و دربار یاماتو هم چون از کفایت لازم برای کنترل کامل آن ها برخوردار نبود برای حفظ حکومت چاره ای جز سازش با آن ها نداشت. افزون بر این ها، آن ها از خیل قدرتمندان مهاجر قاره ای جاده ابریشم بودند و فاتح مردم بومی جومون^{۶۸}.

54 高句麗 Gokuryo

55 伽耶 = Kaya - م کره بوده است.

56 月氏 - مردم اقوام کاسی هستند که تبارشان به کاسیت های حاشیه دریای خزر یا کاسپین پیوند دارد. در چین به - 月氏 - مردم معتقد به ماه مشهور بودند. - م

57 丹波王国 = Tanba-oukoku

58 飛鳥王国 = Asuka-oukoku

59 江上波夫 - م کتاب های بسیاری در باره تاریخ ژاپن و اقوام سوار نظام باستان که به ژاپن آمدند نگاشته است.

60 Tungus - اشاره به مللی است که به زبان تونگوسی سخن میگفتند و در منچوری چین و سیبری یا شرق دور زندگی میکردند. - م

61 物部氏 = Monobe

62 蘇我氏 = Soga

63 葛城氏 = Katsuragi

64 大伴氏 = Ootomo

65 紀氏 = Kino

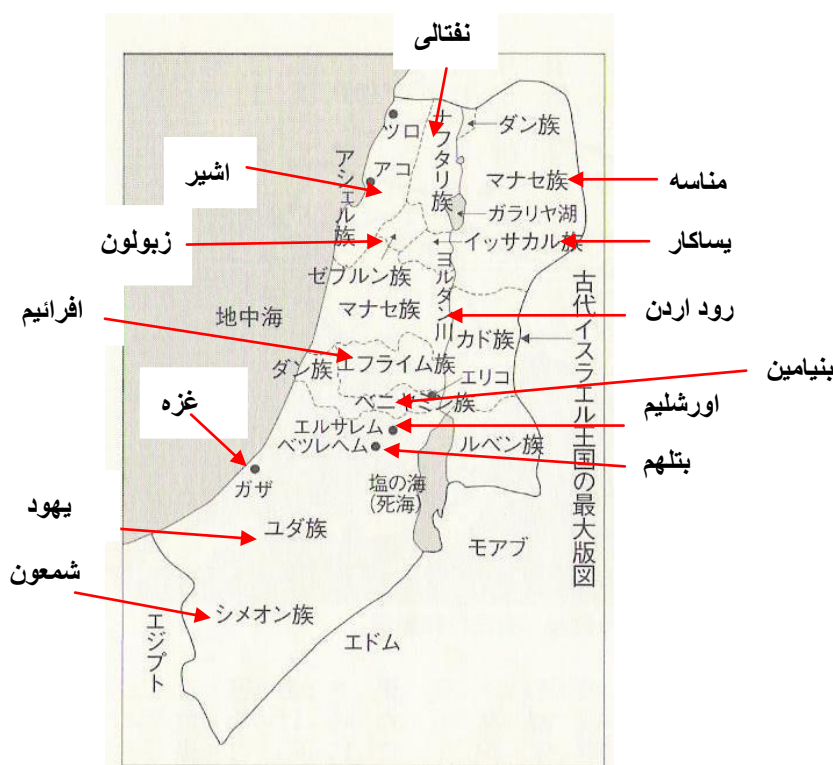
66 平群氏 = Heguri

67 巨勢 = Kose

68 縄文 = Jomon - کهن ترین جامعه در تاریخ اجتماعی ژاپن بشمار می آید و از قدمت دوازده هزار ساله آن روایت

کشتی تارشیش پادشاهی اسرائیل عصر عتیق به ژاپن هم سفر کرده بود

ابتداء در باره چگونگی پادشاهی اسرائیل عهد عتیق که خاندان هاتا در آن ریشه داشت توضیح میدهم. حدود ده قرن قبل از میلاد پادشاهی اسرائیل عهد عتیق که در سرزمین فلسطین تاسیس شد در زمان داوود و سلیمان از شکوه و شوکت برخوردار بود. نزاع بین یوشع بن نون^{۶۹} و داوود که در سرتاسر سرزمین فلسطین گسترش یافت سبب انشقاق قوم بنی اسرائیل به دوازده شاخه شد. در زمان پادشاهی سلیمان که اورشلیم را به پایتختی انتخاب کرده بود سرزمین های تحت فرمانروائی او از میانه رود دجله و فرات تا دریای سرخ و سرحدات پادشاهی مصر گسترش پیدا کرد و راه های تجاری مهم دریای مدیترانه و اورینت را نیز در تصاحب خود در آورده بود .



فرتور 3-1 موقعیت توزیع جغرافیائی اسباط دوازدهگانه بنی اسرائیل در کنعان در سال ۱۰۲۰. از خانواده یوسف دو قوم افرائیم و مناسه مشتق میشود. قوم دان در دو ناحیه مستقر بودند. مرکز مکانی دو قوم یهود و شمعون شفاف نیست.

(در نواحی جنوبی دو قوم یهود و شمعون مستقر بودند حال آن که در شمال ده اسباط اسرائیل: ، افرائیم، ، اشیر، جاد، نفتالی، دان، زبولون، ، لاوی و روبین-م)

اما در سرزمین های تصاحب شده مردم بومی که برخی تبعید می شدند و یا تحت فشار قرار داشتند از خود مقاومت های جانانه نشان میدادند. در زمان سلیمان عهدنامه هائی بین آن ها و شاه حیرام فنیقی که در فن دریانوردی ید طولائی داشتند مبادله شد و همکاری برای ساختن کشتی

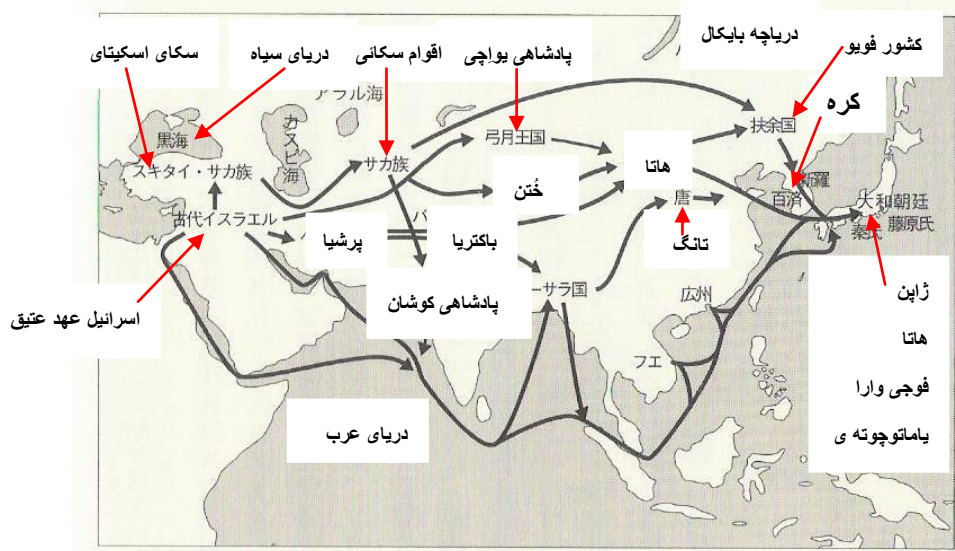
می شود. در این جامعه اولیه مردم بومی ژاپن به ماهی گیری و شکار اشتغال داشتند.- م

های تجاری ممکن گردید. بدین وسیله آن ها از راه دریای مدیترانه، دریای سرخ، اقیانوس هند به کشورهای آسیای جنوب شرقی، چین و ژاپن مهاجرت کردند و برای کار تخلیص فلزات در این مکان ها مستعمره ساختند. در این میان فعالیت سرنشینان کشتی تارشیش قابل ذکر است.

سلیمان از سواحل دریای مدیترانه، اورینت و دریای جنوب جاده ابریشم غنائم بسیار بدست آورد. گنجینه های طلا و نقره و زیورآلات برای تزئین قصر اسرائیل، غلات لازم برای تغذیه کارمندان و راهبان، غذای احشام، اسب برای ارباب جنگی، گاو و گوسفندی که برای قربانی کردن، مصالح سنگی برای ساختمان، الوار برای ساخت کشتی و بالاخره همسر و همخوابه های زیباروی خارجی را بسیار جمع آوری کرد. افزون بر این با وارد کردن اسب از کوه و ارباب جنگی از مصر یک سپاه سوار نظام دوازده هزار نفره را سازمان داد.

فعالیت های جهانی تجاری بوسیله دریانوردان تارشیش شکوفائی و رضایت بی سابقه ای برای سلیمان به ارمغان آورد. دریا نوردان تارشیش با سرنشینانی از نوع ملوانان شیبائی، فن آوران هیتیتی و نخبگان ابوسی، در نقاط مختلف هند و شبه جزیره مالی پایگاه های تولیدی یا مستعمرات را ایجاد کردند. آن ها مخصوصن گارگاه های تخلیص مس و آهن را در پایگاه های دریای جنوب جاده ابریشم بنا کردند. آثار باقیمانده از گارگاه های تخلیص مس و آهن عهد عتیق که در هند و کشورهای جنوب شرقی آسیا و چین و ژاپن گسترش داشت حاصل فعالیت های سپاه دریا نوردان تارشیش است.

اسکان گزینی دریانوردان تارشیش به تاسیس کشور توبیو کوکو^{۷۰} در شمال کیوشو می انجامد که در آن جا به تولید آهن می پرداختند. این فعالیت های مستعمره سازی در عصر باستان در جمعبندی تحقیقات موزه ملی تاریخ فلکلور ژاپن که "عصر یابوی با برگشت پانصد ساله به عقب از هزار سال قبل از میلاد شروع شده است" بازتاب یافته است. مهاجرین تولیدات، آهن و مس خود را با عاج فیل، ادویه جات، اسب و ادوات نظامی تعویض می کردند و به اورشلیم می بردند.



فرتور 4-1 نقل و انتقال اقوام اسرائیل عهد عتیق و خاندان هاتا

⁷⁰ 東表国=to-byou-koku

حرکت تدریجی قبایل دهگانه بنی اسرائیل در جاده ابریشم بطرف شرق

قبایل دهگانه شمالی، "اسباط دهگانه اسرائیل عهد عتیق که ناپدید شدند" که شاهد وقوع انشقاق سلطنت بودند چگونه مردمی بودند و در کجا ناپدید شدند؟

دوران پادشاهی سلیمان در اسرائیل عهد عتیق که با تصاحب مستبدانه مستعمرات، انحصار تجارت و ارضای حاصل از افراط قربانی و فدیة دهی همراه بود طولی نکشید فروپاشید. نه فقط از سوی کشورهای همسایه بلکه از طرف مردم مستعمرات، مردم بومی و حتا حامیان خود سلیمان مخالفت ها و شورش هائی بوقوع پیوست. در سال ۹۲۵ قبل از میلاد و درست بعد از فوت سلیمان سلطنت قبایل بنی اسرائیل به دو پاره یکی در شمال شامل ده قبیله و دیگری در جنوب شامل دو قبیله یهودی انشقاق پیدا کردند. سلطنت قبایل بنی اسرائیل در شمال در سال ۷۲۲ قبل از میلاد بدست سارگون ۲ پادشاه آشور منقرض شد و مردم سامریه به اسارت او در آمدند. در سال ۶۰۶ قبل از میلاد قبایل یهودی خطه جنوب هم بدست حکومت پادشاهی جدید بابل که توسط کلدانی ها تاسیس شده بود اسیر گردیدند.

مردم دولت اسرائیل شمالی در هفت قرن قبل از میلاد خود را از یوغ امپراتوری آشور رها کردند و به آغوش پرشیا پناه بردند. سیاست دولت پادشاهی هخامنشی آن زمان هم با مردم اسرائیل با سعه صدر برخورد کرد. قبایل بنی اسرائیل از آن زمان در موقعیت تاجر و مهاجر از راه های خشکی و آب جاده ابریشم به طرف شرق، سفر به سرزمین های آسیای میانه، جنوب روسیه، مغولستان و چین را آغاز کردند. از طرفی قوم یهود بنی اسرائیل هم که به دست حکومت تازه تاسیس بابل اسیر شده بود توانست فرار کند^{۷۱} و شماری از آن ها به طرف شرق به سرزمین های افغانستان پاکستان و هند سرازیر شدند. این مهاجرین از مسیر های گوناگون، مسیر واحه های (آبادی های) جاده ابریشم، مسیر چراگاه های جاده ابریشم، مسیر دریای جنوب جاده ابریشم و همینطور مسیر حرکت اقوام سوارکار طی طریق کردند و به سرزمین ژاپن وارد شدند. آن ها در ژاپن قدرتمندانی از جمله هاتا، فوجی وارا شدند که در دربار امپراتور به گونه ای همه جانبه نفوذ را تحمیل کردند.

ناکاهارا^{۷۲} در کتاب خود تحت عنوان "برحقایق یهودی های ژاپن باستان سرپوش گذاشته شده است" معتقد است که از بین اسباط دوازده گانه بنی اسرائیل احتمالاً نه قبیله از جمله قبایل دان، زبولون، شمعون، لاوی، روبین، یوسف، جاد، یساکار و یهود وارد سرزمین ژاپن شده اند ولی قبایل نفتالی، اشیر، بنیامین به این سرزمین سفر نکرده اند.

اسباط دهگانه بنی اسرائیل لزومن از باورهای توحیدی دین یهود پیروی نمی کردند. در بین آن ها پیروان بودائی، زرتشتی و یا مانوی هم وجود داشت. برخی از آن ها حتا مکتب های اسرار از جمله باورهای میروکو (بودیسم میترائی -م) یا آمیدا پرستی (شاخه ای از بودیسم در ژاپن-م) و یا مکتب های تلفیقی را ابداع کردند. تنوع گسترده باورها ماهیت اصلی آن ها را کدر کرد.

^{۷۱} لازم به یاد آوری است که "عقاب شرق" کوروش بزرگ منجی این دسته از اسرائیلی های یهود بود که در زیر یوغ نبونید پادشاه بابل اسیر بودند. نگارنده در این مورد ذکرى نکرده است. م

^{۷۲} 封印された古代日本のユダヤ、中原和人一たま出版

هاتا فرد مقتدر ژاپن باستان میتوانند مهاجرینی از امپراتوری هاتا بوده باشند

هستند کسانی که خواستگاه هاتا را بنا به روایت خودش از امپراتوری هاتا و پادشاهی یوچی میدانند ولی آن ها از گذشته هاتا و یا زمان قبل از آن سخن نمی گویند. با همین روش فوجی وارا و سوگا را ناگهان بر صفحه تاریخ ظاهر میکنند بدون این که از گذشته آن ها سخنی به میان بیاورند. به عبارتی آن ها خود را در تنگنای استوره گم میکنند. آن ها خواستگاه این افراد را که از نسل اورینت، آسیای میانه و اقوام اسرائیل عهد عتیق می باشند پنهان می کنند.

این سخن که خاندان هاتا خود را از "نیای امپراتوری هاتا" می دانند لزومن بی اساس نیست. اقوام اسرائیل عهد عتیق پس از رهایی از انتقال اجباری به بابل بوسیله سارگون ۲ در بلندی های پرشیا کشور ماد را خلق کردند^{۷۳} و سپس در جاده ابریشم به طرف شرق مهاجرت کردند و پادشاهی یوچی را تشکیل دادند.

طبق نوشته های مرحوم کاشیم^{۷۴} در قرن سوم قبل از میلاد اسکندر مقدونی یونانی به طرف

شرق اورینت لشکرکشی کرد و آخرین پادشاه هخامنشی داریوش را مغلوب ساخت. در این زمان قوم شمعون یکی از اقوام پادشاهی یهودی جنوب با اسکندر همکاری نظامی کرد و در افغانستان فعلی پادشاهی باکتریا (بلخ- م) را تاسیس کرد^{۷۵}. دیئودوتوس^{۷۶} پادشاه باکتریا شعبه ی کشور باکتریا را در خطه غرب چین تاسیس کرد که در سال ۲۲۲ قبل از میلاد تبدیل به امپراتوری گردید.

تعجب نکنید، این کشور امپراتوری هاتا بود، نخستین امپراتوری در خاک چین. در باکتریا این کشور را کشور بزرگ هاتا می خواندند و این نشان میدهد که وطن اصلی هاتا هم همین کشور بوده است. بدین گونه اولین امپراتور یک اسرائیلی از قوم شمعون بود که پدر او هم ریوفوای^{۷۷} یک ثروتمند بزرگ اسرائیلی از تبار پرشیا بود.

اگر با دقت به تندیس های تمام قد تراکودا^{۷۸} به نگریم متوجه خواهیم شد که ارتش نخستین امپراتور به سبک ارتش پرشیا آراسته شده بودند. بنابراین می توان گفت که امپراتوری هاتا بوسیله یک اسرائیلی با تبار پرشیانی تاسیس شد.

^{۷۳} به نظر می آید نویسنده در بیان این موضوع دامن احتیاط را رها کرده است. مادها از اقوام آریائی نژاد بحساب می آیند که در حدود قرن نهم قبل از میلاد در فلات ایران زندگی میکردند. محل اقامت آن ها را در مناطق کردنشین (کردستان) و آذربایجان ذکر کرده اند. مادها اولین سلسله خود را در سال ۷۰۱ یا بقولی ۷۰۸ قبل از میلاد تاسیس کردند و شخصی دیوکس نامی اولین پادشاه ماد ذکر شده است. ولی باید اذعان کرد که در حکومت مادها اقوام بسیار دیگر از جمله فارس ها وجود داشته اند. اقوام سامی نژاد یا اسرائیلی های عهد عتیق هم که بوسیله آسوری ها در سال ۷۰۰ قبل از میلاد از سرزمین های جهود به فلات ایران مخصوصن همدان (اکباتابا)، شوش و غیره انتقال داده شده بودند در عصر مادها همچنان در این سرزمین ها سکونت داشتند. - م

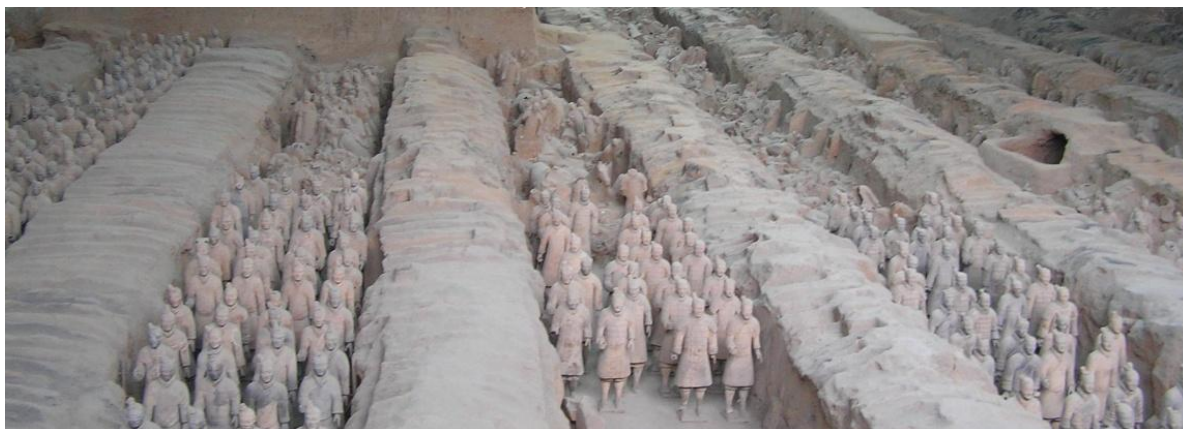
^{۷۴} 鹿島 昇

حکومت باکتریا (باختر) دارای خصوصیات هلنیستی بوده و بعد از توفیق اسکندر بر هخامنشیان و پیشرفت به طرف شرق تاسیس گردیده است. این که اسرائیلی ها در تاسیس آن نقش بسزائی داشتند یا نه معلوم نیست. اما تأیید شده است که حکومت باختر بوسیله یوچی ساقط شده است. این طور که نویسنده اعتقاد دارد حکومت یوچی هم ریشه اسرائیلی داشته است. این سوال پیش می آید که آیا قابل قبول است که اسرائیلی یوچی بر ضد پادشاهی اسرائیلی باکتریا جنگیده باشد؟

^{۷۵} Diodotus (250BC~125BC)

^{۷۶} 呂不韋 = Ryofui

^{۷۷} تندیس سربازان عصر هاتا می باشد که حدود ۸۰۰۰ تندیس در اندازه های واقعی انسان در Terracotta army- شمال غربی شهر باستانی سی آن چین کشف شدند. - م



فرتور 5- 1 کشف تعداد بیشمار تندیس های سپاه سوارکار ارتش تراکودا در نخستین امپراتوری هاتا (تصویر از مترجم)



فرتور 6- 1 در نمایشگاه تراکودا افسر (شخص ایستاده در سمت چپ از رویرو) و سرباز ارتش امپراتوری هاتا. با ظاهر ارتش پرشیا شباهت دارند (موزه هنر موری در اوئنو)

طبق شجره نامه هاتا، کاواکاتسو⁷⁹ پانزدهمین نسل هاتای امپراتور قلمداد می شود. با وجود این که از نقطه نظر دوره تاریخی جور در نمی آید ولی با توجه به حادثه مهاجرت خوفو و پناهجویان دیگر باید پذیرفت که هاتاهاى زیادی بودند که از مسیر دریا مهاجرت کردند و در نقاط گوناگون ژاپن سکنا گزیدند.

افزون بر این جاده ابریشم دریائی هم وجود داشت. واژه هاتا از واژه "پاتا" در زبان کره ای عصر سیلا که به معنای دریا است مشتق شده است. این نظریه هم وجود دارد که فرد هاتائی یا فرد دریاها اشاره به شخصی است که از شبه جزیره کره با گذشتن از راه دریا مهاجرت کرده

⁷⁹ 河勝 = Kawakatsu

باشد.



فرتور 7-1 سمت راست
از رویرو: تصویر شاه ختن
در دون هوانگ،
سمت چپ: هاتا یا
(Qin-shin-huan)
تصویر از مترجم



همان گونه که در سطور پیشین متذکر شدم در ده قرن قبل از میلاد در زمان سلطنت سلیمان بسیاری از اقوام اسرائیلی با عبور از دریای جنوب در مسیر جاده ابریشم وبا گذشتن از هند و آسیای جنوب شرقی به ایجاد مستعمرات کوشیدند. در دریای اقیانوس آرام هم در مسیر جزر و مد ژاپنی بسیاری از این هاتا ها در آب های نزدیک مجمع الجزایر ژاپن پراکنده شدند.

پادشاهی ختن پادشاهی واسط هاتا در مسیر جاده ابریشم بود

پادشاهی ختن در واحه ی جاده ابریشم حاشیه جنوبی بیابان قره قوم به شوکت رسید. این کشور آباد وطن خانواده هاتای اسرائیلی عهد عتیق است که در آن پرورش کرم ابریشم و تولیدات ابریشم رونق بسیار داشت. در ختن پنبه، فرش، طلا و جواهرات تولید می شد و به کشورهای در شرق و غرب آن عرضه می شد. ضمن زمین ختن از استعداد کشاورزی و گله داری هم برخوردار بود. ختن از نظر تولیدات ابریشم بخصوص در منطقه از انحصار برخوردار بود و تجار و منسوبین به خانواده شاه با داد و ستد در مسیر جاده ابریشم قادر شدند ثروت هنگفتی به دست بیاورند.

در ختن تنها گردش آثار مکتوب نبود که رواج داشت بلکه مکانی برای پرورش ادیان نیز بود. وقتی صحبت از مردم اسرائیل عهد عتیق می شود محدود به پیروان دین یهود نمی شود. آنطوری که فاکیان^{۸۰} نیز در کتاب خود^{۸۱} یاد آور می شود " تمام اهالی آداب بودائی را رعایت

80 Fa-hsien; Faxian- راهب مسافر چینی که در اواسط قرن چهارم و پنجم میلادی می زیسته است. - م

می کنند و از رعایت آسان آن با هم لذت می برند^{۸۱}، آئین بودیسم از طریق هند و قندهار به خُتن انتقال می یابد و همزمان تندیس های بودائی و معابد زیادی ساخته می شود که شرایط مناسب لازم برای دسترسی کاهنان و علاقه مندان به باورهای بودائی فراهم می گردد. تعداد زیادی از کاهنان بودائی خُتنی در جاده ابریشم رفت و آمد داشته اند. در کتاب "نامه تانگ"^{۸۲} از آئین رزشت یاد می شود که در خُتن رایج بوده است. تعداد بیشمار هاتا از این پادشاهی خُتن با عبور از شبه جزیره کره به خاک ژاپن وارد شدند.

پادشاهی واحه ی خُتن بارها بوسیله کوچ نشینان سوارکار مناطق همجوار مورد هجوم قرار گرفته است. زمانی مردم کاسی و امپراتوری کوشان بر آن غلبه کردند. خُتن کانون اجماع و تلفیق فرهنگ ها و ادیان جاده ابریشم از جمله یونان، رم، میان رودان، پرشیا، هند، قندهار و غیره بوده است. در قرن هفتم میلادی تحت تسلط سلسله تانگ در می آید و از قرن دهم میلادی به بعد با هجوم امپراتوری اسلام در نهایت سیر اضمحلال را می پیماید.

مسیحیت ابتدائی بوسیله پادشاهی یواچی به ژاپن منتقل شد

در جاده ابریشم چراگاهی در منطقه یاماتو در شمال سلسله قله کوه تی آن شان^{۸۳} مقر پادشاهی یواچی واقع بود. کشور یواچی بوسیله مردم سامریه در پادشاهی اسرائیل شمالی که متشکل از اسباط جاد، روبین، مناسه بودند تاسیس گردید. ضمن پیروان فرقه مذهبی مسیحیت ابتدائی که در امپراتوری رم غربی مورد فشار قرار گرفته بودند و به اورشلیم گریخته بودند به پادشاهی یواچی پیوستند. (نقل از کتاب سومی کاوا^{۸۴})

در حدود قرن چهارم میلادی از این پادشاهی هم مهاجرت های سازمان یافته بسیاری به مجمع الجزایر ژاپن صورت گرفت. اقتباس واژه "یاماتو" در نام مناطق یاماتو در خطه کین کی ژاپن (استان نارا-م) از یاماتو پایتخت پادشاهی یواچی قابل تصور است. این واژه در زبان عبری معنای "بندگان خدا" را می دهد.

کتابی^{۸۵} در باره مردم هاتا در پادشاهی یواچی می نویسد، "آن ها خود را هاتای فوت شده میدانند که برای فرار از رنج به کره مهاجرت کردند". این ها مردمی بودند که در ساختن دیوار بزرگ چین بوسیله امپراتوری نخستین هاتا بسیج شدند. ولی پس از تحمل سختی و رنج های بسیار قصد شبه جزیره کره کردند و در آنجا کره هاتا(شین کان)^{۸۶} و کره بن(بن کان)^{۸۷} را پایه گذاشتند. ضمن در این کتاب آمده است که "کره هاتا مرکز عیش و نوش بود، در آن جا آواز، رقص و مشروب خواری و بی و^{۸۸} نواختن بسیار مورد استقبال قرار می گرفت. در این دیار عادت به آوارگی در مردم زیاد دیده می شد. درست عاداتی را که در بین اقوام بنی اسرائیل دیده می شد

81 雲行紀

82 「唐書」= tosho

83 天山=Tian Shan

84 清川理一郎著「猿田彦と秦氏の謎」

85 「後漢書東 伝」

86 秦韓=Shinkan

87 弁韓=Benkan

88 琵琶=Biwa-

یک الت موسیقی زهی است که ریشه در بریط ایرانی دارد.- م

تداعی میکند.

آن‌ها در قرن سوم میلادی در ساختن ممالک کره هاتا، بکجی، سیلا و کایا شرکت کردند و از طریق این ممالک و یا در پیوند با اصحاب قدرت وابسته به ممالک به مجمع الجزایر ژاپن مهاجرت کردند و در دربار یاماتو چوته‌ی نفوذ خود را تحمیل کردند. پادشاهی یوآچی همچنان برای زمانی به شکوه و شوکت خود ادامه می‌دهد تا نهایتاً بوسیله تهاجم نیروهای گائو زونگ^{۸۹} سلسله تانگ منقرض می‌شود.

طبق توصیفات در "نیهون شوکی"^{۹۰} در زمان امپراتور اوچین^{۹۱} اعلاحضرت یوآچی از ایالت بکجی تقاضای شهروندی ژاپن را میکند. امپراتور نماینده خود کاتسورگی سوتسوهی کو را برای استقبال از تعداد ۶۰۰۰۰ متقاضی از سد و بیست استان روان میدارد و سرزمین کاتسورگی در یاماتو (نارام) را به آن‌ها می‌بخشد. ظاهرناً استقبال از این تعداد متقاضی سبب مباحثات دستگاه حکومتی شده بود.

در آن زمان این تعداد بالاترین تعداد مهاجر محسوب میشد و نشان از عظمت قدرت هاتا داشت. اما تعداد مهاجرین در کاتسورگی زیاد نبود بیشتر آن‌ها به مناطق دیگر مهاجرت مجدد کردند.

اقوام کوچ نشین اسرائیلی با قبایل سوارکار اسکیتای متحد شدند

اقوام بنی اسرائیل عهد عتیق کوچ نشین بودند ولی از اسب در کشاورزی یا برای حمل و نقل استفاده نمی‌کردند. شاه سلیمان اسب را برای امور نظامی بکار گرفت و از این طریق سپاه سوارکار نظامی فراهم آورد. اسب را از منطقه کوا در دشت کریکیا^{۹۲} (در ترکیه فعلی-م) و ارا به را از مصر وارد کرد، اسب را به ارا به بست و با گزینش نظامیان حرفه‌ای و سربازان جنگ آور به تشکیل یک ارتش عظیم سوار نظام اقدام نمود. تشکیلات ارتش و اسرائیلی‌های سوار نظام بعدها بوسیله اقوام سکائی اسکیتای، امپراتوری پرشیا و امپراتوری هاتا به میراث گرفته شد. اقوام کوچ نشین اسکیتای که به ملل زبان‌های هند و اروپائی تعلق داشتند در مناطق شمال دریای سیاه در آرامش زندگی می‌کردند. آن‌ها هنگامی که به سلاح فلزی و ادوات اسب مجهز شدند ارتش نظامی سوار کاران را سازمان دادند و از شمال دریای سیاه به آشور و فلات ایران تاختند و در حدود سال‌های شش قرن قبل از میلاد کشور اقوام سواران را بنیان گذاشتند که بر سرزمین‌های وسیع جنوب روسیه و قفقاز حکمرانی کرد. سکاها در عین غارت‌های مسلحانه با مستعمرات یونان داد و ستد داشتند. آن‌ها پشم و احشام و مواد غذایی صادر می‌کردند و در عوض فلزات قیمتی، ظروف سفالی و شراب وارد می‌کردند و از این راه به سود فراوانی دست یافتند.

در فرایند تاسیس حکومت تهاجمی و جنگجویانانه سکاها اسکیتای اسرائیلی‌های با نفوذ از جمله پناه جویان درباری، تجار و صنعتگران به جرگه آن‌ها پیوستند. اسرائیلی‌ها به جهت توانائی در تجارت، قدرت مالی و فن‌آوری و استعداد ترفند زنی در حکومت سکاها جای پا باز

^{۸۹} 高宗=Gao Zong

یکی از سلاطین قدرتمند سلسله پادشاهی تانگ در چین-م

^{۹۰} 日本書記=nihon-shoki- کتابی که در قرن ششم و هفتم تألیف می‌شود و در باره روایاتی از دوران

امپراتوری‌های اولیه جامعه ژاپن است.-م

^{۹۱} 応神天皇=oujin-tenno-

پانزدهمین نسل امپراتور در تاریخ ژاپن است.-م

^{۹۲} Kirikia

کردند.

سپاه سواران سکای اسکیتای در چراگاه های مسیر جاده ابریشم که به "جاده طلایی" مشهور بود تا اقصا نقاط به تاخت و تاز می پرداختند و از این طریق علاوه بر تجارت به غارت دست آورد کشاورزان نیز دست می آیدند.

اتحاد اقوام سواران اسکیتای با اقوام اسرائیلی متنفا اقدامات سکاها را در تصاحب مستعمرات گسترده و تاسیس کشورها تسهیل می کرد. پادشاهی پارت ها(اشکانیان) و پادشاهی کوشان از آن جمله اند. رفته رفته نفوذ فرهنگ اسکیتای از آسیای میانه تا مغولستان و چین(تایوان امروز- م) گسترش یافت و نهایتن به تشکیل حکومت های کوچ نشین سوارکار از جمله تاتارها، ترک ها و هون ها انجامید. آثار این نقل و انتقالات به شبه جزیره کره و مجمع الجزایر ژاپن نیز گسترش یافت.

فوجی وارا که در دربار یاماتوچوته ی نقش رهبری داشت از تبار اقوام سکای اسکیتای است. از دیرباز تا امروز در باره تبار فوجی وارا نظریه های متفاوتی ارائه شده است. برخی او را چه به عنوان یک شخصیت عادی یا منتسب به دربار از تبار اقوام سیلا، بکجی، کایا (در شبه جزیره کره- م) یا تانگ چینی میدانند، ولی اگر باز هم به اعصار پیشتر برگردیم برخی فوجی وارا را به سکای اسکیتای از تبار پرشیا که کشور فویو(در شرق چین- م) را بنیان گذاشت منسوب می کنند. در پرشیا اسکیتای را قوم سکا می نامند و در چین با ترجمه آوایی واژه سکا "سکو"^{۹۳} می نامند. نظریه دیگری وجود دارد که معتقدست فوجی وارا از نیای قوم یسکار یکی از اقوام دوازدهگانه بنی اسرائیل عهد عتیق است که با کشتی تارشیش وارد خاک ژاپن شد و در کیوشو مملکت یاماتایکوکو را بنیان گذاشت. بعد از قبایل ناکاتومی^{۹۴} و هاتا سکای اسکیتای در فوجی وارا تبلور می یابد. در خاندان فوجی وارا افرادی با تبار مردم دریای جنوب و واحه های جاده ابریشم یافت می شود. سخن کوتاه فوجی وارا ترکیبی از سه خاندان ناکاتومی، هاتا و کان^{۹۵} می باشد. وقتی صحبت از اقوام واحه های جاده ابریشم می شود کسانی بجز اقوام سکای اسکیتای قابل تصور نیست. این اقوام چهار قرن قبل از میلاد زمانی که به شهرهای غربی چین(استان شان سی^{۹۶} فعلی) هجوم بردند بوسیله مردم بومی بیگانگان شمالی نامیده شدند. افزون بر این آن ها در پرشیای شرقی با همکاری قبایل دیگر امپراتوری پارت را تاسیس کردند. کشور پارت پس از فائق آمدن بر پادشاهی هلنیستی(سلوکیان- م) و باکتریا فرمانروایی خود را از طرف غرب به آذربایجان و ارمنستان و از طرف شرق تا افغانستان و پاکستان و شمال غرب هند گسترش داد. پادشاهی پارت پیرو آئین مهرپرستی(میترائیسم) بود. این پادشاهی به پادشاهی اشکانیان یا آنسوکو^{۹۷}(در زبان ژاپنی به معنای آرامیدن است- م) هم نامیده می شود. بنا بر استدلال کوری موتو^{۹۸} پژوهشگر ژاپنی واژه آسکا^{۹۹} که نام منطقه فرهنگی با اهمیتی در استان

۹۳ 塞=saku

۹۴ 中臣氏=Nakatomi

۹۵ 韓=Kan- م شبه جزیره کره- م

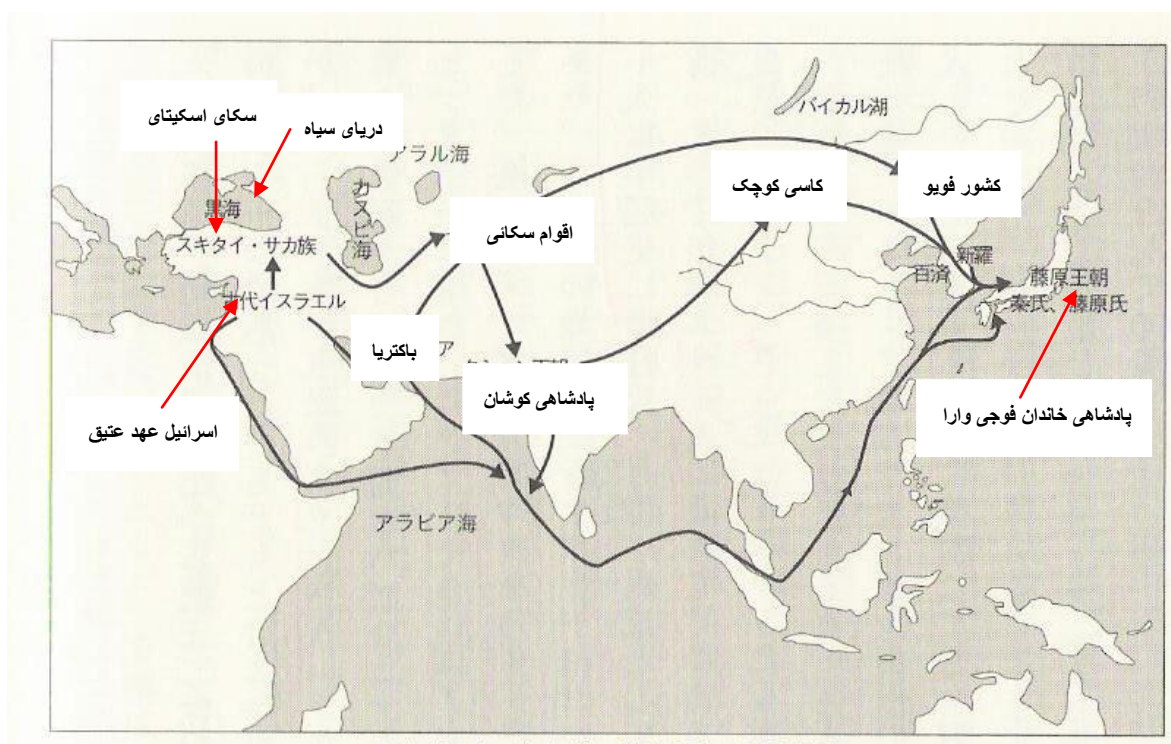
۹۶ Shaanxi

۹۷ 安息=ansoku

۹۸ 栗本慎一郎:シリウスの都、飛鳥

۹۹ 飛鳥=Asuka- محل آسکا در استان فرهنگی نارا می باشد. در قرن ششم

نارای ژاپن است از نام اولین پایتخت این پادشاهی در ایران که آسکا (یا آسکا در قوچان امروز) باشد مشتق شده است. سلسله شاهنشاهی اشکانیان در قرن سوم میلادی بوسیله ساسانیان فروپاشید. سکاهای اسکیتای مکان های مهم چراگاه ها و واحه های جاده ابریشم خشکی و سواحل غربی اقیانوس هند را به تسخیر خود در آوردند و به داد و ستد با یونان در خطه غرب و کشورهای آسیا در شرق رونق بخشیدند. آن ها سبب شکوفایی کشور باکتریا شدند، کانیشک را به پادشاهی کوشان برگزیدند و آئین بودیسم تلفیقی جاده ابریشم را ترویج دادند. نوادگان اقوام سوارکار با نفوذ در چین، شبه جزیره کره و ژاپن خاندان فوجی وارا، ساکا (قوم ساکا) (مانند ساکا ئو، ساکادو) را تشکیل دادند. این قدرت ها در فرآیند شکل گیری آئین شینتو (مذهب کهن و بومی ژاپن قبل از رواج بودیسم-م) و ترویج بودیسم بطور جدی تاثیر گذار بودند.



فرتور 8-1 نقل و انتقال اقوام سکای اسکیتای و خاندان فوجی وارا

تبار اقوام کاسی، کاسیت ها بودند که بابل را تسخیر کردند

اقوام کاسی یکی از قبایل شاخص سوارکاران جاده ابریشم آسیای میانه است که از چهار قرن قبل از میلاد تا قرن دوم میلادی در این خطه فعالیت داشته است. برخی کاسی ها را اقوام جدا شده از سکای اسکیتای میدانند ولی من از نظریه کاشیما که تبار کاسی ها را به اقوام آریایی کاشی (کاسیت ها) منتسب میکند حمایت می کنم. کاسیت ها از شانزده قرن قبل از میلاد به مدت ۲۵۰ سال بر بابل حکمرانی کردند ولی پادشاهی بابل بوسیله هیتیت ها شکست خورد. زمانی که هیتیت ها به زادگاه خود آناتولی بازگشتند کاسیت ها مجدداً بر بابل حکمرانی کردند. خطه

تا هشتم میلادی فرهنگی که در آسکا شکوفا شد نماینده یک دوره تاریخی ژاپن است و از اهمیت بالایی برخوردار. آثار فرهنگ ایران باستان در این خطه بسیار و از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. -م

فرمانروائی کاسی ها محدود به میان رودان نمی شود، سرزمین های پرشیا، تا مرز رودخانه هند تحت الشعاع فعالیت های این قوم سوارکار بود. در مسیر جاده ابریشم این سرزمین ها کاسی ها به فعالیت در تجارت محصولات بافندگی و اسب جنگی می پرداختند. در منابع تاریخی چین کاسیت ها با نام اقوام کاسی، کاشو و کاشی^{۱۰۰} ذکر می شود و آن ها را مردمی معرفی میکند که خدای بعل^{۱۰۱} و ماه خدا را می پرستیدند. اقوام کاسی در سال ۱۲۰۰ قبل از میلاد پس از شکست از ایلامی ها ابتداء به باکتریای آسیای میانه و کاشغار مهاجرت کردند و از آن جا به تخارستان، کوچار^{۱۰۲}، ختن و حتا تبت تاخت و تاز کردند که در نهایت حکومت بزرگ اقوام کاسی را تشکیل دادند.

طبق منابع مکتوب از چوکن^{۱۰۳} اقوام کاسی در مناطق دون هوانگ در حواشی غربی استان گانسو چین اقامت گزیدند، و از آنجا به کوچار در اطراف بیابان قره قوم، تخارستان، باکتریا و صحرای مغلستان تاخت و تاز کردند، و در این پهنه سرزمین های وسیع حکومت قدرتمند کوچ نشین کاسی ها را پدید آوردند. آن ها ارتش سربازان قدرتمندی بودند که به همراه دام خود حرکت می کردند و در پرتاب پیکان مهارت داشتند. کاسی ها از مهارتی برخوردار بودند که حتا هون ها را بحساب نمی آوردند. کاسی ها فقط دامداری نمی کردند آن ها در مسیر جاده ابریشم از راه تجارت انواع جواهرات (نگین نرم، نگین سنجاقک و سنگ فیروزه)، محصولات بافندگی (ابریشم، پارچه کنفی، نخ و غیره) و انواع ظروف (طلا، نقره و سفالی) و یا مالیات بر اجناس به سودهای هنگفتی دست یافتند. کاسی ها به عنوان نوادگان کاسیت ها به خوبی صفات آن ها را به ارث برده بودند.

در توصیف اقوام سوارکار، این گونه تصور می شود که آن ها به مانند جنگ آورانی هستند سوار بر اسب، زره جنگ بر تن، پیکان و نیزه در دست که همیشه به تاخت و تاز و غارت همسایگان مشغولند. اما آن ها در عین حال رسولانی بودند برای اشاعه ادیان زرتشتی و بودائی که در سرزمین های قندهار و دون هوانگ شکوفا شدند، و کسانی بودند که در تاسیس حکومت بودائی پادشاهی کوشان نقش بسزائی ایفا کردند. دون هوانگ و کوچار در مسیر جاده ابریشم یکی از مراکز اصلی نشو و نمای فرهنگ بودیسم بود.

کاهنین بزرگی از جمله دارماراکسا^{۱۰۴} و دیگران از نیای اقوام کاسی کسانی بودند که به ترجمه آثار بودائی همت گماشتند و از این طریق بود که انتشار آئین بودیسم از خطه غرب به چین و شبه جزیره کره امکان پذیر شد. افزون بر این خاندان سوگا^{۱۰۵} از نوادگان قوم کاسی کسی بود که در انتشار فرهنگ بودائی به ژاپن در عصر آسکا کوشش های بی دریغی مبذول داشت. دو قرن قبل از میلاد اقوام هون که از نژاد مغلان بودند در مناطق غربی چین قدرت گرفتند و

100 月氏、月種、か氏—

تلفظات مشابه با کانجی های متفاوت ذکر شده است. - م

101 بعل یا بل خدای زمین ذکر شده است-م

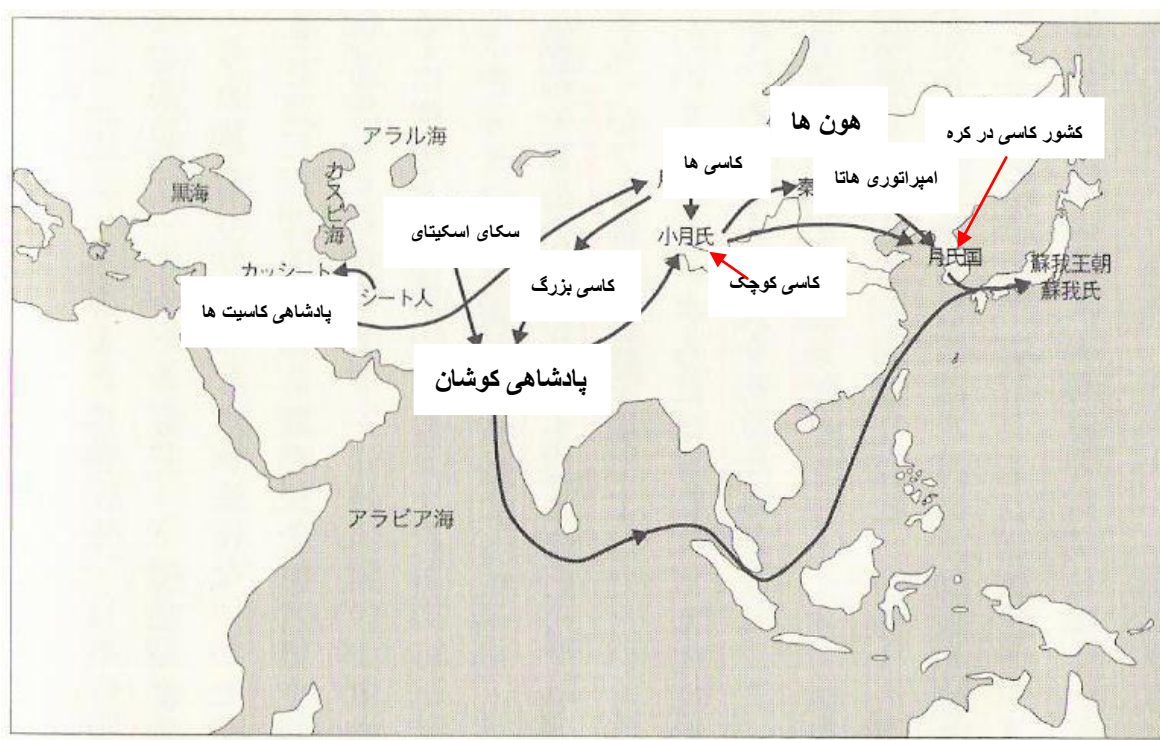
102 Kuchar

103 張騫 = chouken - انار نام سیاح چینی است که دستور می گیرد تا به خطه ایران برود و تخم انار را به چین ببرد. انار فراوده ای است که از ایران به چین می رود و از آنجا به بازار ژاپن معرفی می گردد. - م

104 Dharmaraksa

105 蘇我氏 = Soga

هنگامی که مائودون چانگو^{۱۰۶} به پادشاهی این قوم رسید برای ممانعت از فعالیت های تجاری اقوام کاسی آن ها را مورد حمله قرار داد و مجبورشان کرد تا به طرف غرب عقب نشینی کنند. اما کاسی ها با ثروت بسیاری که اندوخته بودند توانستند حکومت باکتریا را شکست دهند و با ورود به خاک هند پادشاهی کوشان را بر پا کنند. عده ای از این اقوام کاسی که از انتقال سرباز زده بودند در مناطق شرقی چین از جمله دون هوانگ و حواشی کوه تی آن شان مستقر شدند. این اقوام کاسی را کاسی های کوچک (فرعی) می خوانند.



فرتور 9-1 نقل و انتقال اقوام کاسی و خاندان سوگا

سوگا پادشاه بزرگ آسکا از تبار اقوام کاسی جاده ابریشم بود

کشور کاسی ها از ابتداء با کشور هاتا رابطه تجاری داشتند و با هم متحد وفاداری بودند. پادشاهی کاسی کوچک هم چون مورد حمایت هاتا بودند خود را پادشاهی شین (هاتا) نامیدند. اما با زوال امپراتوری هاتا، کاسی های کوچک دو باره مورد حمله هون ها قرار گرفتند. کاسی ها در قرن دوم میلادی به همراهی پادشاه خود از راه دریا گذشتند و در حوالی قرن سوم میلادی به اطراف شهر موکبو^{۱۰۷} در غربی ترین نقطه شبه جزیره کره رسیدند و پادشاه شین، در شین بان گون کره کشور کاسی را به عنوان کشور باکان^{۱۰۸} بنیان گذاشت. پادشاهی کاسی با قدرت سیاسی و نظامی که در جاده ابریشم کسب کرده بود توانست بر

106 冒頓 (ぼくとつ) = Maodun Chanyu

107 Mokbo

108 Bakan= "کان" به معنای کره است. در کره کهن سه مقر پادشاهی وجود داشت که باکان یکی از آن هاست

کشورهای جنوب کره از جمله کایا، کین کای کارا و کویا غلبه کند. کاسی ها در قرن چهارم میلادی با پادشاهی بکجی در وحدت بخشی باکان همکاری کرد و ضمن در دربار بکجی هم رخنه نمود. از اواسط قرن پنجم نوادگان کشور کاسی طرح مستعمره سازی را بطور جدی در مجمع الجزایر ژاپن شروع کردند. آن ها با منتسب کردن خود به تاکه اوچینو کوسونه¹⁰⁹ در هیبت خاندان سوگا یکی از قدرتمندان ژاپن ظاهر شدند.

سوگا در پناه بنیه اقتصادی و مهارت فن آوری خود ابتداء در مناطق غربی یاماتو از جمله هی نوکوما، میسه و اطراف آسکا به گسترش نفوذ خود می پردازد و سپس به نیروئی غیر قابل انکار در دربار یاماتو چوته ی در عصر سلسله پادشاهی آسکا رشد می کند¹¹⁰

بین حکومت بکجی به عنوان یکی از پادشاهی های باکان و کشور کاسی ها اتحاد مستحکمی برقرار بود. هر دو حکومت از ابتداء ریشه در اقوام سوارکاران جاده ابریشم داشتند و در این مسیر از راه تجارت تبدیل به قدرتمندان ثروتمندی شده بودند. شماری از اقوام کاسی باحکومت بکجی همراه شدند و به منصب های دیوانسالار و سرپرستان نظامی ارتقاع یافتند.

واتانابه در کتاب "حقیقت خاندان سوگا پادشاه کشور فوسو"¹¹¹ به نحو احسن در باره رابطه فرهنگ آسکا و مردم پرشیا و دین زرتشتی تحلیل می کند. ریشه سوگا را وابسته به گاوش¹¹² های سوارکار میدانند که از طریق شمال یوروآسیا به جزیره هوکایدو و توهوکو وارد می شوند و در زمان امپراتور یوریاکو¹¹³ به مناطق یاماتو میرسند. گاوش ها به نظر می آید که از نژاد ترک ترکیه باشند. آن ها کشور خود را در قسمت های غربی کوه آلتای بر پا کردند ولی در مورد مهاجرت انبوهشان به مجمع الجزایر ژاپن جای شک است.

اقوام سکاها ی اسکیتای در اتحاد با اقوام کاسی های بزرگ پادشاهی کوشان را بنیان گذاشتند

اقوام کاسی بزرگ که به نواحی غرب رانده شده بودند این بار مورد حمله حکومت چادر نشینان اوسون قرار می گیرند و به ناچار به شمال افغانستان نقل مکان می کنند و در آن جا سلسله پادشاهی هلنیستی باکتریا را مغلوب می کنند. در افغانستان اقوام کاسی به همراه اقوام سکائی پادشاهی کوشان را بر پا می کنند که در اواسط قرن دوم میلادی در زمان پادشاهی کنیشک از اوج شکوه برخوردار شد. معروف است که این پادشاه با تقلید از آشوکا، شاه سلسله مائوریا اقدام به احداث بناهای مقدس از جمله برج های بودائی و ترجمه و نشر آثار مکتوب بودائی می کند و در عین حال دستور میدهد تا تندیس های بودائی را به سبک قندهاری بسازند. پادشاهی کوشان حکومت متحدی متشکل از اقوام سکای اسکیتای و کاسی های بزرگ بشمار می آید. خطه تحت فرمانروائی پادشاهی کوشان شامل سرزمین های وسیعی از شمال هندوستان، فلات ِکان، افغانستان، پاکستان، سغدیا، بیابان قره قوم، ختن، لولان و سرزمین های آسیای میانه می شد.

¹⁰⁹ 武内宿スネ=Takeuchinokusune- در دربار یاماتو چوته ی سمت وزیر را داشته است.

¹¹⁰ 保坂俊三著「日本国誕生と聖徳太子」丸の内出版

¹¹¹ 渡辺豊和著「扶桑国王蘇我一族の真実」- 新人物往来社

¹¹² 高車= (こうしゃ) =Gaoche

¹¹³ 雄略天皇=Yuryaku-tenno

کوشانی‌ها مهره (نگین) خنتی را به چین و از چین ابریشم را به مناطق غربی می بردند. با رم رابطه تجاری و دوستانه ای داشتند و بدین وسیله به فرمانروایان مقتدری در منطقه تبدیل شدند. آن‌ها علاوه بر این که از راه تجارت توانستند ثروت بسیاری بیاندوزند در حفظ آئین بودیسم و فرهنگ قندهار تلاش کردند و تا قرن سوم که بوسیله سلسله ساسانیان از پای درآمدند از شوکت و رونق بسزائی برخوردار بودند.



فرتور 10 - 1 سه قرن قبل از میلاد - اقوام کاسی که از کشور پادشاهی کاسیت های پرشیا بر آمده بودند به حواشی مذ اطق شمال غربی چین هجوم آوردند. کاسی ها به دو بخش کاسی بزرگ و کاسی کوچک تقسیم شدند، کاسی بزرگ سلسله کوشان را بنیان گذاشت. سکای اسکیتای پادشاهی پارت ها را تاسیس کرد.



فرتور 11-1 دو قرن بعد از میلاد -استقرار پادشاهی کوشان بوسیله کاسی های بزرگ، کاسی های کوچک به طرف شرق و شبه جزیره کره مهاجرت کردند و کشور کاسی را در آنجا بنا کردند. کشور باکتريا در حرکت به طرف شرق امپراتوری هاتا را خلق کرد.

پادشاهی کوشان در حیطه فرمانروائی خود نسبت به فرهنگ و ادیان اقوام گوناگون احترام قایل بود. در این کشور تنها آئین بودیسم نبود که رواج داشت بلکه ادیان دیگری از جمله دین هندو، زرتشتی، خدایان یونان هلنیستی در جوار هم همزیستی می کردند. معابد هندوها که خدای شیوا را می پرستیدند، معابد بودائی مخصوص ستایش بودا، عبادتگاه های زرتشتی مخصوص پرستش اهورا مزدا و فرهنگ قندهار که متأثر از نفوذ چشمگیر فرهنگ یونان بود همزمان وجود داشتند. افزون بر این از خرابه های زمان پادشاهی کوشان آثار بسیاری از جمله ظروف لاکه چینی، عاج فیل هندی، ظروف شیشه ای رمی و اسکندری و دیگر اقلام تجاری در مسیر جاده ابریشم کشف شده است. با عقبه چنین فرهنگ متنوعی اقوام سکای اسکیتای و کاسی ها که موسس پادشاهی کوشان بودند پس از ورود به ژاپن بر فرهنگ های آسکا و نارا تاثیر شایان توجهی گذاشتند.

پادشاهی کوشان در نیمه دوم قرن اول میلادی بوسیله پادشاهی پارت ها به قسمت های غربی هندوستان و غرب آسیای میانه رانده شدند و سپس بوسیله اقوام کوچ نشین هیتال(هتل یا هون های سفید- م) نابود شدند.

مهاجرین و پناهندگان حکومت کوشان با عبور از راه دریا به کومانو^{۱۱۴} (در استان واکایاما جنوب جزیره هونشو- م) وارد می شوند و به نام کاتسوراگی معروف می گردند، و از طرف دیگر با خاندان سوگا از تبار کاسی های کوچک که از طریق شبه جزیره کره وارد ژاپن شدند متحد می شوند و سلسله پادشاهی آسکا را بنیان می گذارند. باز با نقل از ناکاهارا، خاندان کاتسوراگی از تبار قوم زبولون بنی اسرائیل عهد عتیق شماره ده می شود که کشتی را آرم خود میدانستند. طبق "فرهنگ نام های افراد در کتاب عهد عتیق"^{۱۱۵} ویژگی قوم زبولون این بوده است که "در حواشی سواحل زندگی کنند و سوار کشتی بشوند."

نگارنده امیدوارست آن چه را که به عنوان جمع بندی در باره تاسیس و فرایند شکل گیری کشور ژاپن در "سرآغاز" ارایه دادم با توضیحات مختصری که هم اکنون از نظر رفت تا حدودی تفهیم شده باشد. نگارنده مصمم است تا در فصول آینده در باره نتیجه گیری خود توضیحات مفصل تری را ارایه دهد.

114 熊野 = Kumano

115 「旧約聖書人名事典」(東洋書林)

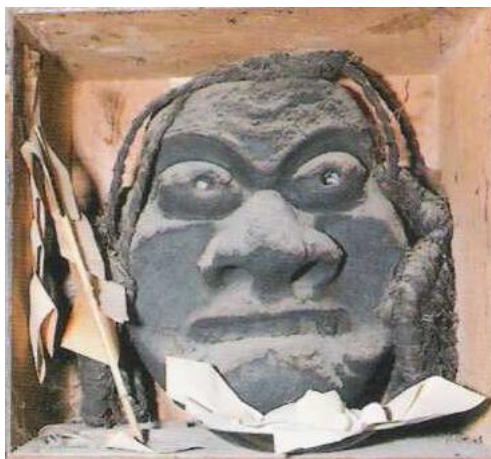
فصل دوم - قدس آتش و آب در فرهنگ ژاپن

- و تاکید بر پیوندهای ایرانی آن-

نگارش جمشید جمشیدی

پیش گفتار: در باورهای مردم ژاپن باستان آتش و آب در گوهر خود پاک و حیات بخشند، نه فقط از خاصیت پاک کنندگی آلودگی های فیزیکی و تراوت برخوردارند دارای خاصیت تطهیر ناپاکی های روانی و روحی است. از این جهت است که آتش و آب در این فرهنگ از مقدسات قلمداد می شد، و موضوع ستایش و عبادت قرار گرفتند. در ایام نه چندان دور که ژاپنی ها کمتر به حمام دسترسی داشتند، استحمام و تجربه آب و آتش در حمام به میزان صرف یک غذای لذیذ، حیات بخش و مفرح بشمار می آمد. ژاپنی ها پس از استحمام به معنای رضایت و سپاس عبارت گوچی سوساما (gochisosama) را که معولن پس از صرف یک غذای لذیذ بر زبان میرانند بکار می بردند.

هرجا که آتش باشد روشنایی، نوزائی و رشد و تولید وجود دارد. آتش چه در کوه و کوهسار، معبد و عبادتگاه و خانه و کاشانه افروخته بشود از احترام برخوردار بوده، شایسته ستایش است. تنور و دیگ روشن در مطبخ خانه از تقدس برخوردار است. هنوز هم در مناطق شمالی ژاپن ماسک خدای تنور (فرتور ۱) با چهره ای کبود و سوخته که نمایانگر آتش برافروخته است در مناسک دینی نقش آفرینی می کند. آب جوشان در دیگ و بخار برخاسته از آن نیز پاک و پاک کننده آلودگی ها و پلیدی های (نجسّات) جسم و روح است. در دوران باستان جهت اثبات صحت و سقم گفته و یا رفتار شخص، او را وادار می کردند تا در آب جوش دست خود را وارد کند، اگر به سلامت این عمل را انجام میداد او را از گناه مبرا و چنانچه طاقت نمی آورد و یا می سوخت او را محکوم به گناه یا جرمی می کردند. چرا که آب جوش پاک است و در جایگاه خدای قاضی بر حق بود.



فرتور ۱- 2 ماسک خدای تنور رایج در مناطق شمال ژاپن

در طول سال، در سراسر ژاپن به مناسبت های مختلف جشن های متعدد آتش و آب برگزار می گردد. در جدول ۱ جمع تعداد این جشن ها بالغ بر ۲۳۲ تخمین زده می شود. ماه ژانویه که آغازگر سال نو درگاهشمار امروز (گریگورین) ژاپن بشمار می آید میزبان بیشترین تعداد جشن های آتش و آب در این ماه است. در استقبال از سال نو طبیعتن مناسبت ها برای برپائی جشن افزایش می یابد.

این نوشتار قصد دارد در دنباله به معرفی برخی از جشن های معروف و ماندنی آتش و آب در ژاپن به پردازد، و رابطه آن ها را با جشن های مشابه در ایران بررسی نماید.

جدول ۱- 2 تعداد جشن های آتش و آب در طول سال

ماه میلادی	ماه ایرانی	تعداد جشن ها
ژانویه	۱۱ دی- ۱۱ بهمن	۴۳
فوریه	۱۲ بهمن- ۹ اسفند	۲۲
مارس	۱۰ اسفند- ۱۱ فروردین	۱۳
آوریل	۱۲ فروردین- ۱۰ اردیبهشت	۲۱
مه	۱۱ اردیبهشت- ۱۰ خرداد	۱۵
ژوئن	۱۱ خرداد- ۹ تیر	۱۱
ژوئیه	۱۰ تیر- ۹ مرداد	۱۹
اگوست	۱۰ مرداد- ۹ شهریور	۳۲
سپتامبر	۱۰ شهریور- ۸ مهر	۱۲
اکتبر	۹ مهر- ۹ آبان	۱۳
نوامبر	۱۰ آبان- ۹ آذر	۱۱
دسامبر	۱۰ آذر- ۱۰ دی	۲۰
جمع جشن ها در سال		۲۳۲



در متن نوشتار از استان ها و شهرهای ژاپن نام برده شده است. نقشه حاضر میتواند راهنمای موقعیت جغرافیائی این

آتش و آب در استوره: در استورهای ژاپن می آید که خدایان با عبور از شرق آسیا از جهت جنوب به ژاپن می آیند و ساختن جزیره ژاپن را از جزیره اوچی شیما (Awajishima) شروع میکنند. زوج خدایان به نام **ایزاناگی** (Izanagi) و **ایزانا می** (Izanami) با تولید فرزندان بسیار خدایان سنتی ژاپن را در این خطه مستقر میکنند تا کشور را مدیریت کنند. این نوشتار با عبور از جزئیات مفصل داستان خدایان ژاپن تنها به خدایان مربوط به جشن های آتش و آب این کشور می پردازد. یکی از فرزندان این زوج خدای آتش به نام **کاگوتسوچی** (kagutsuchi) بود که پس از تولد، مادر او بر اثر حرارت آتش فرزند خود نابود شد. پدر با عصبانیت از این رویداد فرزند را میکشد ولی از خون فرزند که بر سنگ و گیاهان می پاشد و همین طور تن او خدایان بسیار از جمله خدای آتش، خدای ساعقه، خدای آب و خدای کوه و غیره متولد می شود. از این رویداد اندیشه زایش از پدیده مرگ ریشه می گیرد. آتش در این رویداد به عامل نوزائی و رویش تعبیر می شود. آتش سرچشمه وجودی تمام ذرات هستی بشمار می آید. آتش از جان حفاظت می کند. خون خدای آتش که بر روی سنگ و درخت پاشید این دو جسم را از گوهر نوزائی خود بهره مند می کند. از طرفی اصطهکاک سنگ ها با هم و یا اصابت جسم به درخت که سبب زایش آتش است باور گوهر آتش افروزی در این اجسام را اغنا می کند. میتوان در این پدیده ی استوره ای ریشه باورهای قداست سنگ و درخت را در نقاطی از ژاپن جستجوی کرد. (مردم اوکیناوا بر این باورند که در سنگ نیروی حفاظت از جان اهالی خانه وجود دارد. آن ها هنگامی که کسی از اعضای خانواده فوت کند سنگی را که در خانه نگهداری میکردند به دور می اندازند و سنگ نوی از دریا یا رودخانه جستجوی میکنند و به جای سنگ کهنه به خانه می آورند. سنگ کهنه آلوده شده و توانائی نگهداری جان را از دست می دهد ولی سنگ دریا یا رودخانه به جهت این که در معرض ساعقه و رعد و برق است از نیروی نهفته آتش جوان بالائی برخوردارست^{۱۱۶}). سرچشمه این باور که با داشتن آتش می شود بر سرزمین یاماتو (Yamato) یا خطه بزرگ ژاپن باستان فرمانروائی کرد در استوره آتش است.

ایزاناگی پدر بعد از مرگ همسر به سرزمین ارواح سفر می کند تا با او ملاقات کند. چون سرزمین ارواح جائی پلید تعبیر می شده است روایت است که **ایزاناگی** در برگشت از آنجا به شستشوی بدن یا به تعبیر دینی تطهیر خود می پردازد. با شستن چشم چپ خود زنخدای **آماتراس** را متولد می کند. **آماتراس** یا خورشید خانم نماد روشنائی و فروغ جاویدان است و امپراتوران روی زمین، فرزندان بلامنازع او بشمار می آیند. **ایزاناگی** وقتی چشم راست خود را می شوید زنخدا **تسوکمی یومی** (tsukiyomi) یا خدای ماه متولد می شود که در شب فروزان است. و در نهایت **ایزاناگی** با شستن بینی خود مرد خدا **سوسانو او** (susano-o) را متولد می کند که بسیار

شیطان و سرکش است. نقش عامل آب در فرایند تولد فرزندان **ایزاناگی** برجسته و مقدس تعبیر می شود. هم در آئین کهن شینتو (神道=Shinto) و هم در آئین بودیسم، ورد خواندن در آب سرد که به **می سوگی** (禊=misogi) معروف است از آداب مقدس و بسیار مهم برای تطهیر جسم و روح بشمار می آید، و در فرقه های دینی بسیار هم رایج است (فرتور ۲). مراسم غسل در آب های جاری که در بین پیروان آئین ماندائی ایرانی رایج است شباهت بارزی با مراسم می سوگی ژاپنی دارد (به صفحه ۳۱ و ۳۲ نگاه کنید).



فرتور ۲- ۲ تطهیر جسم و روح یا "می سوگی" در اواسط ماه فوریه (بهمن- اسفند)- اجرای این مناسک در فصل زمستان نشان از اراده مقاومت در مقابل سرما و پشت سر گذاشتن آن و استقبال از فرارسیدن بهار نیز دارد.

نمونه می سوگی را در ویدئوهای زیر مشاهده کنید:

<http://www.youtube.com/watch?v=98q1X7bau5l&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=BFJrD8bjq-s&feature=related>

با وجود آن که امروزه انجام رسم می سوگی بسیار مختصر شده است، می سوگی آداب خاص خود را دارد که بسیار مفصل و دقیق است. محل انجام آداب می سوگی می تواند در آب دریا، رودخانه، دریاچه و یا حتا دوش خانه باشد ولی ابتدا لازمست که محل می سوگی قبل و بعد از انجام آن با نمک تطهیر شود، و خود عمل می سوگی همراه با ورد و ذکر مخصوص انجام گیرد. نمونه دیگری از رسم می سوگی دست شستن و آب کشیدن دهان قبل از ورود به اطاق عبادت در معابد رسمی است. معمولن یک حوض کوچکی حاوی آب روان در جلوی درب ورودی معابد برای تطهیر دست و دهان تعبیه شده است (فرتور ۳).



فرتور ۳- ۲ حوض کوچکی جهت تطهیر دست و
دهان در معبد ریو آن جی (Ryuanji) = 龍安寺 در کیوتو

آتش افروزی در پیشواز از ارواح و بدرقه آن ها

از دوران باستان ژاپنی ها دوازده ماه سال را به دو بخش نیمه اول و نیمه دوم تقسیم می کردند. آن ها بر این باور بودند که در آغاز هر نیمه زمانی از سال ارواح رفته گان، به خانه سابقشان باز می گردند تا دیدارها را تازه کنند. بنابراین بازماندگان این ارواح می بایست برای استقبال از آن ها تدارک ببینند. ارواح در آئین ژاپن باستان یا شینتوئیسم به کامی (神=kami) یا "خدا" تبدیل می شدند ولی پس از نفوذ آئین بودیسم آن ها به هوتوکه (仏=hotoke)، سرور یا "شخصیت بودائی" تغییر می یافتند. جشن های استقبال و بدرقه "خدایان" یا بوداها در نیمه اول سال یعنی ژانویه یا در نیمه دوم سال در ماه ژوئیه یا اوت بر پا می شود. جشن اُبن (お盆=Obon) امروزه در شهرهای بزرگ در اواسط ماه ژوئیه ولی در شهرهای کوچک یا دورافتاده در اواسط ماه اوت بر پا می شود. امروزه این جشن در میان مردم ژاپن فارغ از گرایش های دینی به جشنی ملی تبدیل شده است و بسیار رایج و از مضمون های متنوع برخوردار است. ریشه واژه اُبن- آنطوری که پژوهشگر اساطیر ایران باستان استاد ای موتو (Imoto) تفسیر کرده است واژه ارتاوان (artavan) در فارسی قدیم پس از تغییراتی به اهلوان (ahlavan) و بالاخره به اولوان (ulavan) در فارسی میانه (پهلوی) تبدیل می شود. این واژه در فارسی به معنای گردش (سرنوشت) قبل و پس از مرگ است. این واژه اولوان در متون چینی^{۱۱۷} قرن هفتم میلادی اولام بانا (ullambana) ذکر شده است که درست به معنای آویزان بطور واژگون میباشد. این واژه اولام بالا ریشه لغوی واژه اولام بوئن یا اورابن (盂蘭盆会=urabon-e) میباشد که به اُبن کوتاه گردیده است.

مناسک اُبن بعد از رواج بودیسم- حکایت میکنند^{۱۱۸} که در زمان حضرت بودا یکی از شاگردان او به نام Maudgalyayana پیش بینی میکند که مادرش پس از مرگ در قعر جهنم آویزان شده است، و وقتی او از بودا طلب کمک میکند بودا دستور میدهد تا در پانزدهم ژوئیه هر سال برای تمام اموات از هفت نسل قبل تا به امروز نوشیدنی و خوراکی فدیہ کنند. ظاهراً این رویداد را شروع رسم اُبن (お盆=Obon) و اصالت آن را منتسب به آئین بودائی میدانند. اما با افزایش رفت و آمد های ایرانیان (به خصوص تخاری ها، اهالی تخارستان) از نیمه دوم قرن هفتم به ژاپن معلوم میشود که این رسم یک رسم خالص بودائی نبوده ایرانی ها هم با وجود باورهای زردشتی

117 「一切経音義」 (A commentary on the Tripitaka)

^{۱۱۸} شرح این حکایت بر گرفته از مقاله پژوهشی استاد ای موتو میباشد که در مجله تحقیقاتی ایران شناسی دانشگاه اوساکا منتشر شده است:

IMOTO Eiichi, Influence of Iranian Culture to Japan. In Journal of Iranian Studies (Iran Kenkyu), Vol II, 2006--- イラン研究、第2号、2006

خود با این رسم مانوس بوده اند(اگر چه در زمان متفاوتی). رسم بوده است که در این زمان یک اطاقک چهار گوش با نی و ساقه درختان میساختند و به مانند خانه کعبه به دور آن طواف میکردند و بدین وسیله ارواح رفتگان خود را دلداری میدادند.

در کتاب نی هون شوکی(日本書紀=nihon-shoki) که در قرن هفتم و در باره استوره های ژاپن باستان نگاشته شده است حکایت برگزاری اولین مجلس اُبن نقل شده است^{۱۱۹}. امپراتور **سای می**(齊明天皇=sai mei-tenno) دومین امپراتور زن در ژاپن، که تبار او را از باقیماندگان اقوام ایرانی کاسیت ها میدانند میزبان این مجلس بوده است. به سال ۶۵۷ میلادی شش نفر زن و مرد ایرانی از خطه تخارستان به ژاپن می آیند، امپراتور **سای می** در ضلع غربی معبد آسکا(در استان نارا، این معبد هم اکنون نیز موجود است) با برافراشتن یک مجسمه سنگی فواره دار به پذیرائی میهمانان خود و برپائی مراسمی زردشتی می پردازد.

از عصر می جی(۱۸۷۳) به بعد بر پائی این رسم که منطبق با تقویم قدیم در پانزدهم ژوئیه هر سال صورت می گرفت تقریباً منسوخ میشود و غالباً این رسم را طبق تقویم مدرن ژاپن در ماه اوت از روز دهم^{۱۲۰} به بعد برگزار میکنند. برای خشنودی ارواح رفتگان مردم به غیر از سر زدن به قبور در گورستان ها به نظافت محل سکناى خود یا چیدن علف ها می پردازند، و برخی هم با رقص و پایکوبی به استقبال رفتگان خود می شتابند.

بر افروختن آتش در استقبال از ارواح رسم رایج و شایسته ای است که در بسیاری از نقاط ژاپن مرسوم است. آتش استقبال ممکن است به صورت ساده و خانگی، باتهییه کپه ای کوچک از آتش در جلوی خانه خود و پریدن از روی آن(فرتور ۴) صورت بگیرد، یا ممکنست با شرکت اهالی محل بطور دسته جمعی و با عظمت هیجان انگیزی در سطح منطقه و شهر برگزار گردد.



فرتور ۴- 2 برپائی آتش و پریدن از روی آن
رسمی شایسته در استقبال از ارواح

119 封印された日本古代史 ミステリー、久慈 力 著—2008 Gakken-pp130

120 <http://ja.wikipedia.org/wiki/%E3%81%8A%E7%9B%86>

در مناطقی از ژاپن اهالی شهر با در دست گرفتن مشعل های پر شعله به رقص و پایکوبی می پردازند که جَوّی می آورد.



فرتور ۵- 2 برپائی آتش اُبن در کوه- در استان آی ایچی

در شهرهای دیگری از جمله شهر باستانی کیوتو با بر پائی دو نوع آتش این رسم را شایسته برگزار می کنند. در استقبال از ارواح در سیزدهم اوت آتش استقبال (迎え火 = mukae-bi) و در شانزدهم اوت در بدرقه آن ها آتش بدرقه (送り火 = okuri-bi) بر پا میکنند. در کیوتو هر ساله در این برهه مراسم آتش زنی در کوه مرسوم است. آتش زدن کوه بر پایه باور تخریب به هدف نوسازی عصر باستان انجام می گیرد. سوزاندن علف های خشک و کهنه کوه به جهت نوسازی و آماده کردن زمین برای پرورش محصول بهتر تعبیر می شود. فرتور ۵ نمونه ای از آتش افروزی در کوه را در استان آی ایچی که از مراسم کیوتو الگو برداری شده است را نشان می دهد.

در مناطق شمالی ژاپن از جمله موری اوکا (盛岡 = Morioka) رسمی وجود دارد که به "به آب انداختن کشتی شعله ورارواح" مشهور است. این کشتی که مزین به هدایا، دعا و التماس و خواهش و آرزو از ارواح است شعله ور در آتش بوسیله جوانان محل در بدرقه از ارواح پاک رفتگان در آب روان می شود تا بسوزد و محو گردد (فرتور ۶).



فرتور ۶-۲ رسم به آب انداختن کشتی شعله ور به پاس ستایش ارواح

عکس های بسیار زیبای این مراسم را در تارنمای زیر مشاهده کنید:

<http://wadaphoto.jp/maturi/funakko2.htm>

جشن های متنوع دیگری با آفروختن آتش در برخی از شهرهای ژاپن برگزار می شود که قابل توجه است. برپائی رژه **سد و هشت شعله آتش** در استان سایتاما یکی از این جشن هاست که ابهت خاص خود را دارد. شعله های ممتد آتش تا تپه های بالای روستا که چشمکزنان ارواح را بدرقه میکنند شکل ماری را به خود می گیرد که در تاریکی شب اندوه به دل بازماندگان می اندازد.

در شهر **ناریتا** در استان چیبا مراسم برپائی آتش در زمان بدرقه ارواح برگزار می شود. شعله های بسیار آتش از داخل شهر تا دروازه خروجی شهر به گونه ای پیوسته در یک خط با شکوه خیره کننده ای به مراسم هیجان می بخشد (فرتور ۷).



فرتور ۷-۲ آتش بدرقه تا دروازه خروجی روستا شعله ور است.

بجای افروختن آتش در برخی از مناطق با روشن کردن شمع های متعدد و یا فانوس های مخصوص این جشن را برپا می کنند.

جشن آتش در معبد ناچی: معبد ناچی (那智大社 = nachi-taisha) که به عنوان میراث فرهنگی جهانی در یونسکو نیز به ثبت رسیده است در شهر واکایاما (和歌山 = wakayama) قرار دارد. این معبد محل کرنش و ستایش بسیاری ازخدایان شینتو مانند ایزاناگی، ایزانامی، آماتراس، سوسانوو و سروران بودائی از جمله میروکو (弥勒 = Miroku) که نام ژاپنی میترا یا میتره (Mythreya) است میباشد. در این معبد هر ساله در چهاردهم ماه ژوئیه جشن آتش بسیار باشکوهی بر پا می گردد. این معبد در دامنه کوه ناچی بنا گردیده است که در جوار آن یک آبشار معظم به بلندی ۱۳۳ متر قرار دارد. این آبشار به لحاظ دینی و تاریخی بسیار با اهمیت است، باور اهالی بر این اصل استوار است که روح خدای آب هر ساله در این زمان در این آبشار حلول می کند و لازم است که اهالی با جشن آتش به استقبال از آن بروند و ادای عظمت و احترام لازم را بجای آورند. دوازده علم بادبزین دار (فرتور ۸- سمت راست) را برای انتقال "خدا" به شهر آماده می کنند و جوانان علاقه مند با حمل دوازده مشعل بزرگ که هرکدام ۵۰ کیلوگرم وزن دارد به استقبال "خدا" به پای آبشار می روند (فرتور ۸- سمت چپ و فرتور ۹). همان گونه که در فرتور قابل مشاهده است جوانان مشعل دار خود را در لباس کاملن سفید پوشانده اند و کلاه سیاهی بر سر دارند. لباس سفید نماد پاکی است که مغان زردشتی هم در هنگام دعا و مناسک دینی می پوشند. کلاه بر سر آن ها را کلاه کلاغی یا شکسته می گویند زیرا بخش بالائی و آزاد آن به عقب یا جلوی سر شکسته می شود. این کلاه، کلاه نمادین مهر پرستان یا میترائیست ها

بوده است.



فرتور ۸- ۲ راست- غلم های بادبزن دار که مخصوص محل "خدا" می باشند. چپ- جوانان سفید جامه با کلاه کلاغی مشغول حمل مشعل های سنگین هستند.



فرتور ۹- ۲ راست: حمل مشعل های سنگین برای استقبال از "خدایان" در پای آبشار. کلاه مشعل داران به کلاه کلاغی یا شکسته موسوم است. این کلاهی است که میترا (تصویر سمت چپ) همیشه درانظار به سر دارد و یکی از نمادهای او بشمار می آید. (نقاشی میترا در حین ذبح گاو مقدس از استاد ماساتو توجو است.)

چند ویدئوی زیبا و هیجان انگیز از مراسم آتش در معبد ناچی:

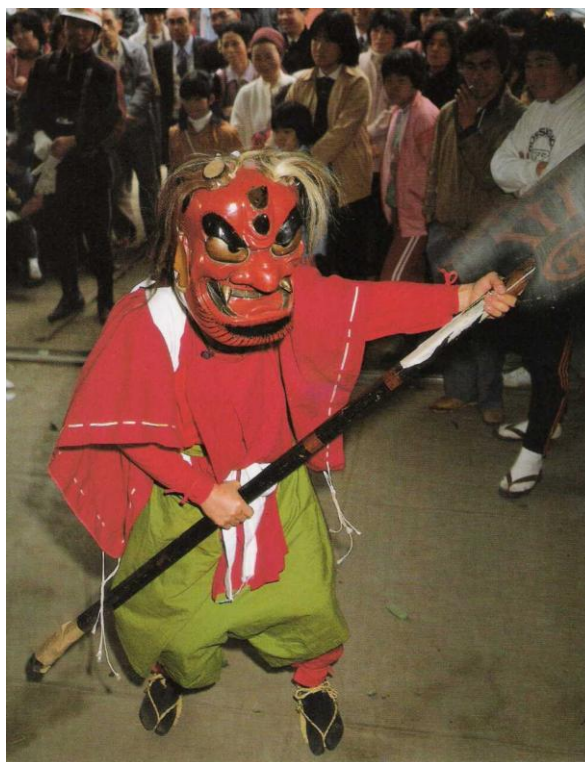
<http://www.youtube.com/watch?v=LU25urt1k6A>

<http://www.youtube.com/watch?v=VI7vGslXwz4&NR=1>

<http://www.youtube.com/watch?v=5om6muKitTw&feature=relate>

جشن های سال نو: در ژاپن امروز اول ژانویه به عنوان روز آغاز سال نو یا اولین روز نیمه دیگر از دو نیمه زمانی سال تعیین شده است. این روز بر پایه گاهشمار گریگوری یا تقویم خورشیدی است و به نوروز نرینه مشهور است. اما طبق گاهشمار قدیم ژاپن آغاز سال نو پانزدهم ژانویه بر پایه تقویم قمری بوده است که به نوروز مادینه انگاشته می شود. از این جهت است که برخی از جشن ها در روز اول و برخی در روز پانزدهم و یا حوالی این روز بر پا می گردد.

در جشن های اول سال نو ارواح در شکل "دیو" ها در اشکال مضحک و گاهی ترسناک ظاهر می شوند و عموماً عامل تخریب برای سازندگی بشمار می آیند. در فرتور ۱۰ نمونه یکی از این "دیو" ها را مشاهده می کنید که با پوشیدن یک ماسک ترسناک و لباس قرمزی بر تن و تیری در دست نظر اهالی محل را بخود جلب کرده است. لباس قرمز این "دیو" نشان از آتش دارد و با تیر در دست به انجام ماموریت سوزاندن مزرعه و تخریب آن به جهت بدست فراموشی سپردن کهنه ها و تلاش برای نوآوری و محصول بهتر مشغول است. این جشن که به "دیو جشن گل" معروف است در برخی از مناطق با رقص و پایکوبی از ماه نوامبر تا اواخر ماه ژانویه ادامه می یابد.



فرتور ۱۰- ۲ ظهور دیو ترسناک در جشن "دیو جشن گل"، لباس قرمز دیو نشان که از آتش دارد به همراه تیر در دست او آلتی برای سوزاندن

مزارع کهنه به جهت تولد دوباره زمین و بارآوری محصولی بهتر (استان آی ایچی)



فرتور ۱۱ نمونه دیگری از جلوس "دیو" را در مراسم روز ۱۸ ژانویه در یک محله شهر توکیو نشان میدهد.

"دیو" ها در شب ظلمانی با چرخاندن مشعل های آتشی که در دست دارند جشن را رونق می دهند. ساکنین در عبور از جوار آن ها سعی می کنند با گرد آتش در تماس قرار گیرند و بدین وسیله سالی را بدون بیماری و رنج به پایان برسانند. در مناسک دیگر هم این باور که تماس با آتش و یا گرد آن سبب سلامتی و آرامش می شود تجربه می گردد.

فرتور ۱۱- ۲ ظهور "دیو" ها با مشعل های آتش در محلات توکیو

مراسم جشن آتش جالب دیگری (فرتور ۱۲) در پانزدهم ژانویه در استان ناگانو (=長野 Nagano) برپا می شود که دوگروه از جوانان در آن شرکت می کنند. یک گروه با تلاش فراوان از آتش گرفتن برج عبادتگاه ممانعت می کند ولی گروه دیگر می کوشد تا با مشعل های برافروخته برج را در آتش روشن کند. در انتها جوانان گروه اخیر موفق می شوند با خواندن سرود دینی برج را به آتش بکشند و آن را همچنان روشن نگاهدارند.



فرتور ۱۲-۲ جشن آتش در ناگانو. رقابت بین دوگروه، یکی آتش زن و دیگری خاموش کننده آتش مراسم هیجان انگیز این جشن را در ویدئوی زیر مشاهده کنید.

<http://www.youtube.com/watch?v=QI-fv9dvHE>

جشن های آتش و آب در استقبال از فرارسیدن فصل بهار

جشن کهن میزوتوری در نارا: یکی از جشن های ماندگار در استقبال از فرارسیدن فصل بهار جشن آتش و آب در معبد تودای جی (東大寺=toudaiji) در شهر کهن فرهنگی نارا است. این جشن که به میزوتوری (水取り=mizutori) یا "آداب آب کشی" مشهور است از سال ۷۵۲ میلادی هر ساله از اول ماه مارس به مدت دو هفته در سالن نی گاتسودو (二月堂=nigatsudo) این معبد که در قرن هفتم میلادی بنا شده است انجام می گیرد. هر ساله بدون استثناء جمعیت بسیار انبوهی از سراسر ژاپن از این جشن بازدید می کنند که نشانه بارزی از اهمیت و جذابیت آن بشمار می آید (فرتور ۱۳).

به نشانه پرستش از سرور این معبد یازده تن خادمین معبد با رعایت آداب خاصی در تاریکی شب مسئول حمل "آب معطر" از چاه مجاور می شوند. به جهت روشن کردن مسیر پیمایش این "آب کشی" مشعل های فراوان آتش می افروزند. هفت روز اول جشن به نشانه پشت سر گذاشتن مشقت سرمای زمستانی یا مرگ فصل طاقت فرسای و هفت روز آخر آغاز فصلی نو به همراه نوآوری و تولدی دیگر یاد شده است. در این جشن پدیده تولد بعد از مرگ به خوبی ترسیم شده است. از دیر باز مردم ژاپن بر این باور استوار بودند که تماس با ذرات آتش سبب سلامتی و شادابی آن ها می شود. جمعیت با شرکت در آداب میزوتوری تلاش می کنند تا در زیر باران گرده های آتش قرار بگیرند تا بدین وسیله سالی را در سلامتی و خوشوقتی بسر کنند.



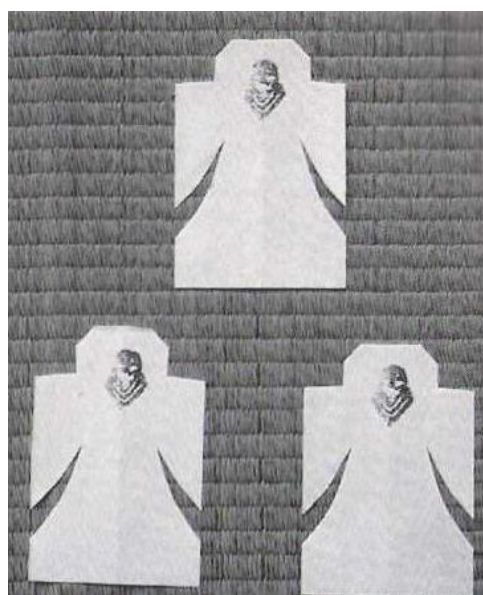
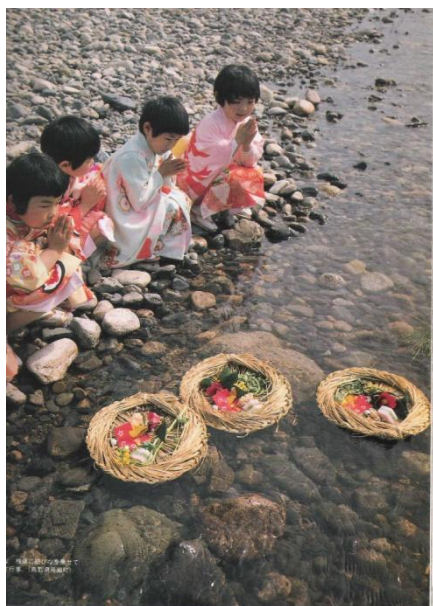
فرتور ۱۳- 2 شعله مشعل های آتش در جشن آتش و آب میزوتوری در معبد تودای جی نارا
 برخی از پژوهشگران ژاپنی از جمله ای موتو (Eiichi Imoto) برگزاری این جشن را در
 رابطه با فرهنگ ایران میدانند. در ایران پس از یلدا تا فرارسیدن نوروز نود روز داریم که چهل
 روز ابتدا را چهله بزرگه و بیست روز بعد را چهله کوچک می گویند، که جمیع شصت روز
 می شود و به دوران سخت زمستان منتسب است. به عبارتی این شصت روز دوران عزای
 طبیعت و طاقت فرسا است ولی سی روز بعد که به عید نوروز منتهی می شود به دوران نوزایی
 و تولد دوباره طبیعت و نوید زندگی نو منتسب است. استاد ای موتو ریشه باورهای آداب
 میزوتوری یا جشن آتش و آب معبد تودای جی را در فرهنگ ایران باستان جستجوی میکند

چند ویدئوی زیبای این جشن را در لینک های زیر مشاهده کنید.

<http://www.youtube.com/watch?v=V7MkwwXV84g&feature=related>

http://www.youtube.com/watch?v=mMsFwIIk8_A&feature=related

رسم به آب انداختن عروسک ها: عروسک را در زبان ژاپنی نین گیو (ningyo) = 人形 می
 گویند، و نین گیو یعنی "شکل آدم". با وجود این که امروزه معنای عروسک، نوع آن و اساس
 برداشت از آن تفاوت کرده است اما در دوران باستان عروسک های طرح شده حامل گناهان و
 "نجسات" اخلاقی انسان می شد و بنابراین خوش یمن نبوده است. با کاغذ یا پارچه شکل ساده آدم
 را در قالب عروسک (فرتور ۱۴) می ساختند و در روزی از ماه مارس (اسفند) که ماه تغییر
 فصل و افزون بر آن فصل بهار نیز بود به آب دریا یا رودخانه می انداختند و تا محو شدن از
 میدان دید با خواندن سرود و ورد آن را تعقیب می کردند.



فرتور ۱۴-۲ عروسک های ساده کاغذی فرتور ۱۵-۲ به آب انداختن عروسک های نمادین بد یمن
 به آب انداختن عروسک های نمادین در استان ناگانو(فرتور ۱۵) و یا مراسم به انداختن قایق
 شامل عروسک های بد یمن(فرتور ۱۶) یک روستا در استان واکایاما (wakayama) در سوم
 ماه مارس امروزه نیز با شکوه فراوان بر گزار می شود.
 در برخی از مناطق ژاپن عروسک ها را به کنج انبار پنهان میکردند و یا دور می انداختند تا
 نحسی آن ها گریبان اهالی خانه را نگیرد. در روزهای ماه مارس که مصادف با فرا رسیدن
 فصل بهار است اجزای طبیعت از جمله آب سرشت پاکی و توانائی تطهیر خود را باز می یابد و
 گناهان را که بار عروسک های نمادین می کنند سشتشوی می دهد و این رسم آرامش را به مردم
 باز می گرداند^{۱۱۱}.



فرتور ۱۶-۲ مراسم به انداختن قایق حامل عروسک های بد یمن

در ژاپن با تاثیر بخشی از رسوم چینی، مردم ناحیه نارا رودخانه های کوچکی در باغ خانه خود
 می ساختند و با گردهم آئی جامی از می را در آن شناور می کردند. شرکت کنندگان در درون
 رودخانه به خواندن سرودهای ویژه ای ادامه می دادند تا نوبت نوشیدن جام می به آن ها روی
 آورد.

^{۱۱۱} بد نیست بدانیم که در چین از عصر کهن در آغاز فصل بهار مردم از خانه های خود به دامن دشت و کوه پناه میبردند
 و به گونه ای نمادین سبزه ها را لگد مال می کنند. این رسم بسیار به آداب روز سیزده بدر ایرانی شباهت دارد.

جشن آتش در آئین شوگن دو

برای دسترسی به اطلاعات مفصل تر و آگاهی به اصطلاحات مطرح در متن این فصل به توضیحات در "پی نوشت ها" نگاه کنید. پی نوشت های [عدد] در انتهای نوشتار قابل دسترسی است.

یکی از سه "طریقت" های اصلی آئین بودیسم^[۱] در ژاپن، می گیو^[۲] یا مکتب اسرار است که مریدان شاخه شین گون شو(shingon)ی آن با پیروی از منش موسس آن، دینمرد کوکای به برگزاری منظم مراسم شوگن دو(修検道=shugendou) یا "راه ممارست و آزمون" برای دسترسی به حقیقت مطلق می پردازند. شوگن دو یک فرقه دینی است که از تلفیق بودیسم و آئین بومی باستانی شینتوی(神道=Shinto) ژاپن شکل گرفته است. در این آئین کوه پیمائی سیر و سلوک در جذبہ های طبیعتی با شکوه آن به هدف محوری و اصلی باورها تبدیل شده است. آتش افروزی و می سوگی در این آئین رواج دارد. در روش شوگن دو سالانه مراسمی برگزار میگردد که در آن برپائی آتش(مقدس) یا دای گوما(daigoma=大護摩) نقطه اوج آن است. دای(dai) به معنای بزرگ و گوما(goma) تحت الفظی به معنای نزدیکی یا اتصال است. گوما واژه اصیل ژاپنی نیست ترجمه آوائی واژه "هما" (homa) یا هوما(huma) و یا همام(homam) در زبان سانسکریت است. آداب و مراسم "هما" که ریشه در باورهای پیروان هندوئیسم داشته است بعدن در آئین بودیسم نفوذ میکند که بشکل یک مجموعه فرهنگی بودائی از طریق چین به ژاپن منتقل میگردد.

"هما"^[۳] در باورهای هندوئیسم و بودیسم به مناسکی گفته میشود که با بر پائی آتش گسترده ای به فدیہ، نذر و دعاخوانی بر آن می پردازند. مناسبت های بر پائی این مراسم متنوع است^[۴]. زبانه کشیدن این آتش به آسمان نشان از رسالت بزرگ ارسال و اتصال پیام ها و آرزوهای مریدان به خدایان یا دیوان (Devas) و یا، روح کاینات "برهمن"^[۵] است. با چنین رسالتی این آتش از تقدس و گوهر خدائی برخوردارست و به همین مناسبت است که به آگونی^[۶](agoni) یا خدای آتش شهرت می یابد. آگونی خدای آتش یا آتش خداست. در ژاپن نیز با اندکی تفاوت مراسم برپائی آتش مقدس گوما یا "هما" برگزار میگردد:

۱ - در فرقه مذهبی آگون^{۱۲۲}(Agonshu) که شاخه ای از مکتب اسرار(mikkyou) بودیسم است مراسم برپائی آتش مقدس که به جشن ستاره نیز معروف است هر سال در ۱۱ فوریه در کیوتو برگزار میشود. دو تل بزرگ از برگ های درخت می نوکی^[۷](Japanese Cypress) که به آسانی آتش میگیرند بر پا میکنند. یکی از دو تل برای آتش عابدین زنده و دیگری برای رفتگان است. الهام دهنده عابدین زنده، بودا منشی (فضای بودی) و تل رفتگان آرزوی پیوند با دنیای خدایان(فضای لاهوتی) است(فرتور ۱۷).

^{۱۲۲} آگون هم واژه ایست مشتق از آگونی یا آتش و اخگر فارسی.



فرتور ۱۷- 2 (عکس از خود نگارنده است)

میریدان و پیروان وفادار، آرزوهای خود را روی تکه تخته های آماده شده (که میخزند) می نویسند و به همراه زمزمه اوراد و دعاخوانی های رسا و دسته جمعی در آتش مربوطه می اندازند. این مراسم تا خاموش شدن تل آتش ها ادامه می یابد. هم رقص پیچاپیچ دود سفید و هم شعله های سوزان آتش در روند صعود به آسمان یک آرامش خاطرو شور وصف ناشدنی را در پیروان آرزومند به ارمغان می آورد. زبانه کشیدن شعله های آتش به سوی آسمان پرواز "هما"ی گسترده پر با خوشه باری از تخم های نوزائی را در خاطر ایرانیان زنده میکند (به پی نوشت ۳ نگاه کنید).

۲- در مراسم آتش افروزی که در معبد ریوان جی (龍安寺=Ryuanji) (معبد آرامش اژدها) هر ساله در ۱۵ آوریل در شهر می نوو (箕面市=Minoh shi) برپا می گردد تنها یک تل آتش برافروخته شد. ولی بقیه مراسم به مانند روش شوگن دو در مذهب آگون برگزار می گردد (فرتور ۱۸ و ۱۹).



فرتور ۱۸- 2 (عکس از خود نگارنده است)



فرتور ۱۹- ۲ (عکس از خود نگارنده است)

۳- در برخی از گرایش های شوگن دو در انتهای مراسم آتش افروزی کاهنان یا حتا مردم عادی با پای لخت بر روی آتش ها راه میروند. این مناسک را هی واتاری (hiwatari) یا عبور از روی آتش می نامند. در فرتور ۲۰ عمدتن کاهنان ولی مردم عادی نیز در صورت رغبت میتوانند از روی آتش در حال احتزاز راه بروند. در فرتور ۲۱ کاهنان حتا از روی آتش شعله ور عبور میکنند. آتش نماد پاکی، حرارت و نیرو قلمداد می گردد. از روی آتش عبور کردن تلاش در کسب این نیرو و الهام از پاکی آن است. در مراسم رایج چهارشنبه سوری [۸] هم مردم با نیت یکرنگی با آتش از روی آن می پرند.



فرتور ۲۰ - ۲
مراسم عبور از روی آتش



فرتور ۲۱- ۲ سمت راست: یک پیروی آنین شوگن دو یا یامابوشی (山伏=yamabushi) یا کاهن کوه نورد را نشان میدهد که با شجاعت در حال پرش از روی آتش است. سمت چپ: پرش از روی آتش در چهارشنبه سوری ایرانی.

مراسم گومائی که توصیف آن رفت به گومای برونی معروف است. در مقابل این گومای برونی گومای درونی داریم که حکایت از سوزاندن کینه ها، دشمنی ها و تمام صفات و اخلاق ناپسند در وجود خود انسانست. اصولاً برپاکردن گوما اغنای احساسات صلح جویانانه و آرزوی برقراری آرامش و همدردی و اجتناب از ستیزه جوئی و غضب است.

تقدس آب و آتش و خاک در کشتزارها

غذای اصلی ژاپنی ها از دیر باز برنج بوده و امروزه نیز برنج است. طریقه کشت برنج هم در شالیزارهای پر آب صورت می گیرد. پر باری محصول برنج آرزوی مردم است زیرا که ضامن حیات آن هاست. از این جهت است که در شالیزارها "خدا" نهفته است و مردم در زمان کشت با بر گزاری جشن و پایکوبی از "خدا" ی شالیزارها کمک می طلبند و در زمان درو به نشانه سپاس از آن ها مراسم نمادینی برپا می کنند.

در استان می (三重県=Mie) در زمان کشت برنج در ماه ژوئن تعدادی از جوانان زن و مرد (فرتور ۲۲) دست در دست در اطراف کشتزار نمادین برنج حلقه میزنند و در حین چرخ زدن بدور آن با خواندن آواز و پایکوبی از "خدا" ی شالیزار می خواهند تا فعالیتش را آغاز کند و پربراری محصول را یاری برساند. شرکت دوجنس مرد و زن دست در دست به نشانه تهیج "خدا" به افزایش قدرت باروری خود در شالیزار است.



فرتور ۲۲-۲ جشن شالیزار در ماه ژوئن در استان می!

نمونه جالب دیگری از جشن های کشتزار برنج جشن "وحدت با گِل و لای" شالیزار است. در استان چیبا جوانان محل با بدن برهنه در متن گِل و لای شالیزار به برگزاری بازی های مختلف می پردازند. گِل و لای شالیزار را به صورت کودکان می مالند، یا تماشاچیان را با لباس به درون شالیزار می کشانند تا با گِل و لای بیامیزند. ساکنین بر این باورند که با برپائی چنین جشن هایی زمین شالیزار را برای باروری بیشتر فعال می کنند. به صورت مالیدن گِل و لای از این جهت است که در گِل و لای که مخلوطی از آب و خاک است روح "خدا"ی شالیزار، نماد نو آوری و شکوفائی نهفته است. گاهی هم به صورت دوده می مالند که نشان "خدای آتش" نماد گذشته است، زیرا آتش برای سوزاندن زمین پیر و آماده کردن آن برای کشت جدید بکار گرفته می شد.

باز در شهری از استان چیبا جوانان در برکه ای مملو از گِل و لای که کنایه از زهدان مادر دارد هرساله بازی جالبی را انجام میدهند (فرتور ۲۳). در این نمایش هر شرکت کننده ای می کوشد تا با قدرت تمام صندوق مقدس یا می کوشی (神輿=Mikoshi) را از دست رقیب برآید و از برکه خارج شود. این جشن تعبیری از تولد دوباره در فصل کشت بشمار می آید.



فرتور ۲۳- ۲ جشن تصاحب صندوق مقدس در گل و لای یک برکه (استان چپا)

اهالی روستا برای زنده نگاهداشت و حفاظت کشتزارها فعالیت های زیادی انجام میدادند که بسیاری از آن ها جنبه جشن بخود می گرفت. یکی از این فعالیت ها روش گرداندن مشعل های نمادین در روستا برای دفع آفات کرم های زراعی بود (فرتور ۲۴).

اهالی بر این باور بودند که در تاریکی شب چرخش مشعل های شعله ور باعث پخش گرده ذرات آتش می شود و درخشش آن ها در آسمان به مانند ذرات جاندار (کرم شب تاب؟) جلوه می کند که می تواند سبب ترس کرم های موذی بشود و آن ها را فراری بدهد. به این روش مبارزه با ارواح خبیثه یا "فراری دادن کرم ها" می گفتند. آن ها عقیده داشتند که بیماری های گیاهان بر اثر وجود ارواح خبیثه است که در تن کرم ها پیکر گرفته است. روز بعد از "فراری دادن کرم ها" به روز استراحت و تعطیل موسوم بود که اهالی روستا دست از کار می کشیدند.



فرتور ۲۴- 2 فراری دادن کرم ها بوسیله گرداندن مشعل های فروزان در مزارع

پی نوشت ها

۱- سه "ره" اصلی در آئین بودیسم قابل تشخیص است. یکی "ره" بودیسم ابتدائی است که از زمان خود گوتما بودا حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد اشاعه داده شد و به شاخه هیناینه (Hinayana) یا ره کهتر (سفینه کوچک) معروف است، عمدتاً به سرزمین های آسیای جنوب شرقی مانند ویتنام، تایلند، سیلان و برمه گسترش می یابد. بودیسم ماهاینه (Mahayana) یا ره مهتر (سفینه بزرگ) شاخه دیگری از بودیسم است که عمدتاً در چین و ژاپن پیروان کثیری را جذب میکند. بودیسم واجراینه (Vajrayana) (یا سفینه الماس) سومین شاخه بزرگ بودیسم است که عمدتاً در تبت مورد ستایش و پرستش قرار میگیرد. در آئین بودیسم اولیه منش و پندار و زندگی بی آرایش و عابدانه خود بودا الگوی مریدان او قرار میگیرد و مفهوم روح و یا یک هستی متافیزیکی قابل تصور نیست. برای رسیدن به مقام والای بودا باید آموزه های او را حلقه گوش کرده، ممارست های او را آزمود و قابلیت این کار هم محدود به قشر کاهنان و شاگردان متعصب و جدی این آئین میشد.

در شاخه ماهاینه که عمدتاً در چین و ژاپن گسترش می یابد مفهوم روح یا خدا و هستی متافیزیکی با پندارها و مفاهیم بودیسم تلفیق میگردد. اصولاً ژاپنی ها قبل از این که به بودیسم بگروند پیرو خدایان (نیروهای غیبی) بودند. چند خدائی اعم از خدایان فردی، گروهی، شهری و منطقه ای و کشوری همه و همه مورد احترام و ستایش قرار می گرفتند. ژاپن آنقدر مملو از خدایان بوده است که به طنز، این کشور را دارای فرهنگ "هشت میلیون خدائی" یا یائو یوروزوکامی (八百万の神 = yaoyorozu-no-kami) معروفی میکنند. نیرو یا عامل غیبی که به نحوی، در جائی به یاری و یا سرزنش و ستیز با مخلوقات در می آید مفهوم خدا (روح نامرعی) را می یابد. ژاپن با داشتن چنین پیشینه فرهنگی به راحتی پنداری را که نیرو یا هستی مافوق گوتما بودا را مطرح میکند حضم کرد و خود به اشاعه و توسعه آئین جدید بودیسم کمر بست. اشخاصی به مانند گوتما بودا در آئین بودیسم ماهاینه انسان های الگویی هستند که از مراقبت و پشتیبانی نیروی نادوگانه و لاهوتی برخوردارند. البته تمام مردم با برخورداری از گوهر بودائی قابلیت صعود به ورای مرزهای خود، به فضای لاهوتی را دارند.

۲- می گیو (mikyō) به مکتب اسرار در آئین بودیسم معنا میگردد، ولی این واژه که به حروف ژاپنی (密教) نگاشته میشود به باور پژوهشگران به معنای آموزه های می روکو (Miroku) یا میترا (Mitra) است. میترا که واژه سانسکریت آن مایتریا یا میتره (Maitreya) است آموزه های خود را توسط شاگردان در غالب مکتب می گیو اشاعه داده است. دو مدرسه مکتب اسرار یا می گیو با نام تن دای شو (Tendaishu) و شین گون شو (Shingonshu) با موسسین متفاوت ولی با یک خدای (یا حقیقت نهائی) به نام دای نی چی نیورای (Dainichi nyorai = Mahavairocana) در تاریخ تحولات بودیسم ژاپن قابل ذکر است. حتا میتوان پیدایش دین می گیو را جنبش بزرگی در تاریخ فرهنگی بودیسم بشمار آورد. دای نی چی (大日) به معنای خورشید درخشان ازلی و ابدی (ورای خورشید فیزیکی) است که حیات بخش تمام موجودات در پهنای عالم بشمار می آید، و این خود برابر با مفهوم عرفانی میترا قلمداد میگردد. میترا در

آئین میترائیسم غربی به "خورشید شکست ناپذیر" ملقب بوده است، کسی که خورشید فیزیکی تحت فرمان اوست. دینمرد کوکای (Kukai) ژاپنی موسس مدرسه شین گون شو می گئو در قرن هشتم میلادی است. او با سفر به چین و آموختن مفاهیم و ممارست ها و آزمون های لازم موسس این مکتب در ژاپن میگردد. (برای مطالعه بیشتر به مقاله "مهرپرستی" از همین نویسنده مراجعه کنید.)

۳- "هما"ی هندوها اشاره به مراسم عبادی و دعاگزاری از راه برافروزی آتش و در بودیسم ژاپنی "هما" همانا خود مراسم آتش افروزی است.

"هما"ی ایرانیان هم در فرهنگ این کشور جایگاهی بس رفیع دارد. این مرغ بلند پرواز خیالی نام دیگرش همان "سیمرغ"، زنخدای ایران باستان است. سیمرغ مرغ انتزاعی گسترده پر در فرهنگ ایرانیان باستان نماد هم آهنگی، پرورش، نوزائی و تکامل بوده است، که با سوزاندن پرش برای یاری رساندن در هر کوی و برزنی حاضر میشود. گو این که سیمرغ در ورای قله های بلند البرز آشیانه دارد هم در اعماق انسان جای میگیرد و هم در پهنای جهان و فضای کاینات حضور می یابد. اجازه بدهید به تکه زیر که رابطه "هما"، "سیمرغ" و "آتش" را در فرهنگ جاودان ایران به زیبایی قابل توجهی ترسیم میکند توجه کنیم:

" «هما»، در ادبیات ایران، بنام «استخوان رند» خوانده میشود. «استخوان رند» مجموعه هسته هائیکست که هما، آنها را از نو به زندگی میانگیزد. «رند» معنای «انگیزاننده به زندگی نوین» را دارد، که فراموش شده است. و مفهوم «رند و رندی» در ادبیات ایران نام همین خداست (رند افریت = رند افریس = زن رند = زنخدای نوساز) که خویشکاریش، جان بخشی و نوآفرینی است. در اذهان و به ویژه در ادبیات ایران، این رد پا باقی مانده است که «هما، بسیار قانع است، و فقط استخوان میخورد». ولی هما یا سیمرغ، مرغی شمرده میشد، که «استخوان مردگان» را نمیخورد، بلکه «سایه بر آنها میافکند»، و در این سایه افکندن بر آنها، «با آنها جفت میشود، و آنها را، مانند همان «زال» به آسمان، به آشیانه خود میبرد»، تا همیشه از گزند و آزار بری بمانند، و از پستان او شیر بنوشند. «استخوان = است + خوان»، به معنای «خوان تخمه ها و هسته ها» است. همه تخمه جانها در زمین، در آسمان، در سیمرغ از سر گرد هم میامدند، و با سیمرغ میامیختند و زنده و نو میشدند. «سایه انداختن سیمرغ یا هما بر تخمه جانها، چه گیاهی چه حیوانی چه انسانی»، معنای «برافروختن، یا از نو زنده ساختن» آنها را داشت. از این رو به سیمرغ یا هما، یا عنقا، آتش فروز (= آتش افروز) میگفتند، چون «آتش»، اصطلاحی برای «تخم» بود (تش = تخشه، به معنای نی = دوخ است. افروختن نی، به معنای «انگیختن زن به آبستنی». همانسان که باد (وای به = سیمرغ)، مریم را آبستن میکند. " - نقل از کتاب "مولوی بلخی و سایه هما" صفحه ۲۵ نوشته م- جمالی

۴- به تعدادی از مراسم معمول "هما" در آئین های هندو اشاره میکنیم^{۱۲۳}:

آرزوی طول عمر = Aayushya homa

آرزوی سلامتی=Dhanavantri

از میان بردن صفات منفی در جهت افزایش اعتماد به نفس=Durga homa

بر مشکلات فائق آمدن=Ganapathi homa

برخورداری از ثروت مادی و سعادت=Lakshimi Kubera homa

تشویق به ازدواج برای مجردین و آرزوی پایداری برای مزدوجین=Mahadevi homa

برای نام گذاری کودکان=Punyahavachana homa

گرم کردن خانه با وسایل مناسب و مطمئن=Vastu homa

تشویق دانش آموزان به آموختن=Vidya homa

آرزوی صلح و هم آهنگی جهانی، هم آهنگی خود با جهان، الهام از Vishwa Shnathi homa
آتش "هما"، پاک

[۵]- در کتاب مقدس اوپانیشاد(Upanishads) هندوها "برهمن"(Brahman) را چنین معنا میکنند: الف: رویش، ب: گسترش و فراخ شوی، پ: تحول، ج: توسعه یابی، "برهمن" بُن یا تخم پیدایش و گردش و تکامل یا اصل جهان و کاینات بشمار می آید. "برهمن" هم از نقطه نظر واژه شناسی و هم از نقطه نظر مضمون فرهنگی همان "بهمن" در فرهنگ ایران است. بهمن تخم تخم ها یا مینوی مینوهای کاینات بشمار می آید. عامل اتصال، پیوند اضداد و برقراری ریتم و هم آهنگی بین آن هاست. "میان" لقب بهمن و "جگر" عضو درشکم، میان تن انسان با بهمن این همانی داده میشود. بهمن(جگر) عامل پیوند دو قسمت بالا و پائین تن انسان است.

[۶]- "آگونی" یا آگنی همان "آخگر"، آتر یا آتش در زبان فارسی است. آتش در فرهنگ ایران باستان نماد همزادی، نوزائی و جفت و متصل شدن را داشته است. به همین مناسبت است که در بسیاری از جشن های ایرانیان برافروختن آتش مرسوم است. "آخگر" و آتش از برخورد سنگ و یا ازدواج سنگ ها حاصل میگردد. از این جهت است که سنگ نیز محل اتفاق، اتصال و عشق تعبیر میشده است. سنگ و آتش ارجی هموزن داشته اند. بی هموده نیست که "حَجَر" معرب "آخگر" ساخته شده است. آتش قبله زرتشتیان و حَجَر(الاسود) قبله مسلمانان است.

[۷]- در برخی از مناطق که دسترسی به درخت هی نوکی نیست از برگ های درخت سرو(Japanese Cedar) استفاده میکنند. درخت سرو نیز بمانند هی نوکی از رسته (Cupressaceae) است. (درخت هی نوکی را در واژنامه فارسی همان سرو معنا کرده اند.) سرو در فرهنگ ایران باستان مظهر راستی، صافی و بلندی و تنومندی است که زمین را به آسمان یا انسان را با خدای خود پیوند میدهد. سرو در عین حال دارای برگ های سوزنی قابل سوختن است و سوختن و برافروزی آتش نیز نماد پیوند و اتصال بشمار میرفته است. (ضمنن به مطالب جالبی در باره سرو در صفحه ۳۸ از کتاب "مولوی بلخی و سایه هما" نوشته م- جمالی نگاه کنید.)

[۸]- در مورد ریشه و تاریخ دقیق برگزاری چهارشنبه سوری بین پژوهشگران اتفاق نظر وجود ندارد. آنچه که محرز است چهارشنبه سوری یک رسم رایج در آئین زردشتی نبوده است. از طرفی برخی معتقدند که این رسم ریشه عربی دارد ولی در جریان تاریخ ویژگی ایرانی بخود گرفته است. پیروان زردشتی در پنج روز مانده به نوروز با افروختن آتش در حیاط و یا روی

پشت بام های خود به استقبال فرورها میرفتند و هرگز از روی آتش به جهت مقدس بودن آن نمی پریدند. اما حکایت میکنند که عرب ها اصولن پرستش آتش را منع کردند ولی چون چهارشنبه را نحس میدانستند برای رهایی از این نحسی آتش می افروختند. ایرانی ها با درایت، از عمل آتش افروزی عرب ها مراسم شادی آفرین و الهام بخش چهارشنبه سوری را بنیان نهادند.

ستایش آتش در ایران

چه پرستش آتش چه ستایش آن از دوران قبل از اشاعه آئین زرتشتی در ایران باستان رواج داشته است. آتش و ارجی که در آئین زرتشتی به آن مینهند یادگار باورهای گذشته گان به این پدیده فیزیکی است، بنابراین آتش هرگز در آئین زرتشتی از اصالت برخوردار نیست. اقوام ماد که به مغ ها معروفند آتش پرست بودند^{۱۲۴}، جمشید اولین انسان در باورهای خرمدینان و یا پادشاه موفق و با صلابت ایران باستان که از فرمان اهورامزدا برای پذیرش پیامبری سر باز زد سازنده آتشکده(جدول ۱) بوده است. کرشاسب یا سام پدر زال، فریدون و گشتاسپ، کیخسرو از پادشاهان پیشدادیان خود سازندگان آتشکده بوده اند. گشتاسپ اولین پادشاهی بود که آئین زرتشت را پذیرا شد و در پناه او بود که زرتشت توانست دین خود را گسترش بدهد. زرتشت بعد از گزینش به پیامبری از طرف اهورامزدا به گشتاسپ دستور میدهد تا آتش را که جمشید احترام می کرد پیدا کند. آن را در خوارزم(ازبکستان کنونی) یافتند و به "دارابگرد" پارس آوردند^{۱۲۵}.

جدول ۱ آتشکده های ایران باستان از عصر قبل تا بعد از ظهور آئین زرتشت

نام آتشکده	جای آتشکده	نام سازنده
آذر فَرَن بَغ	خوارزم	جمشید
آذر گشسپ	فردجان(فراهان قم)	جمشید
آذر وَرداستر	بَخْلان(پیشه ده)	فریدون
آذر کاسگان	کاش	زاب(زو)
کرکوی	سیستان	کرشاسب
بُرزین	فارس	کرشاسب
آذر گشسپ	استوند	کیخسرو
ماه گشنسپ	برزه(آذربایجان)	کیخسرو
آتش زرتشت	نیشابور	کیخسرو
برزین	بلخ	لهراسب
آذرگشسپ	بلخ	گشتاسپ
بُرزین مهر	ریوند	گشتاسپ
آذر فَرَن بَغ	کاریان	گشتاسپ
آذر فَرَن بَغ	کاریان	انوشیروان
آذر فَرَن بَغ	فسا	انوشیروان

فریدون که معروف است به بنیانگزار "مهرپرستی" در ایران، اولین کسی است که آتشکده بنا نهاد. روزی که فریدون در جنگ بر ضد ضحاک ماردوش پیروز می شود دستور میدهد تا جشن و آتش افروزی بر پا کنند. برخی معتقدند این روز را روز مهر یا "جشن مهرگان" نامیدند.

^{۱۲۴} زرتشتیان برای پرهیز از برجسب آتش پرست به جای واژه مغ از موبد استفاده کردند.
^{۱۲۵} پیامبر آریائی- ریشه های ایرانی در کیش های جهانی. امید عطائی فرد- تهران: عطائی. ۱۳۸۶

البته برداشت یا تعبیر از پدیده آتش در دوران مختلف تاریخی با تفاوت هائی روبرو بوده است. آتش بُرَزين مهر یا آتش مهر(میترا) در باورهای مهر پرستی پیش از زرتشت رواج داشته است. مهر یا میترا با خورشید این همانی داده میشد و آتش او نیز نمادی از روشنائی خورشیدی را تداعی می کرد. خورشید علاوه بر خاصیت روشنائی و حیات بخشی آن الهام بخش برابری و مهر بوده است. این آتش در دوران ساسانیان بدست انوشیروان بابکان بنیانگزار این سلسله به آتش ویژه طبقه کشاورزان تبدیل شد.

در عصر ساسانی اقشار مردم را به طبقه موبدان، سپاهیان و کشاورزان تفکیک و تقسیم می کنند. موبدان به عنوان نمایندگان اهورامزدا بر روی زمین برای هر طبقه یک نوع آتش تعیین میکنند. از نوع آتش ویژه می توان به تعلق طبقاتی شخص پی برد. "آتش فَرَن بَغ" ویژه موبدان بود. فَرَن به معنای روشنائی یا حلقه نورانی، و بَغ واژه ایست که برای خدا بکار میبردند. پس روشنائی خدا برای موبدان بود. آتش ویژه سپاهیان "آذرگشسپ" و آتش ویژه کشاورزان "بُرَزين مهر" تعیین شد. از آن جایی که آتش قبله زرتشتیان است و از ستایش خاص برخوردار، این سه طبقه پیش اهورامزدا مورد احترام بوده، پاسدار گیتی شناخته می شوند. بعد از پراکندگی های دینی و ترویج تنوع عقیدتی یا کم ارج نهادن به آئین زرتشتی در عصر اشکانیان، شاهان ساسانی در راستای وحدت دادن به اجتماع از ساختن آتشکده های خصوصی جلوگیری کردند و در عوض آتشکده های حکومتی را بنیان گذاشتند. آئین زرتشتی به دین حکومتی تبدیل شد و بطور طبیعی باید مناسب، ایده و کنش های دینی هم منطبق با دستورات رسمی صادره از سوی حکومت شکل بگیرد. در مقابل این سه آتش زمینی، پنج آتش مینوی داریم که پیش اهورا مزدا بوده است. آذر برزی سونگه که به آتش بهرام موسوم است. آتش وهوفرین که با حرارت در تن انسان و جانوران یکسان دانسته شده است. آذر اوروازیشته که در تن گیاهان است و آتش وازیشته که در رعد و برق ابرها نهان است. پنجمین آتش به آتش سپنیشته موسوم است که در عرش خدای زرتشت جای دارد.

بهرام به مانند مهر یا میترا در باورهای پیش از زرتشتی یکی از خدایان هفتگانه روزهای هفته بود. میترا خدای یکشنبه و بهرام خدای سه شنبه بود. اورمزد همردیف آن ها خدای پنجشنبه بود. خدایان از امتیاز ویژه ای برخوردار نبودند، در سازگاری و هم آهنگی همزیستی می کردند. بهرام به مانند میترا در آئین زرتشتی ابقا می شود ولی مقام آن ها به ایزدان تحت فرمان اهورامزدا کاهش می یابد. آتش بهرام را آتش اصناف و عموم تعبیر میکنند که ویژگی همگانی دارد و اثری از تبعیض طبقاتی در آن دیده نمی شود. به عبارتی این آتش که به چهارمین آتش اجتماعی خوانده می شود میتواند بوسیله تمام اقشار برافروخته شده مورد ستایش قرار گیرد. آتش بهرام از شانزده نوع آتش تشکیل شده است. ۱- آتش مخصوص سوزاندن جسد، ۲- آتش مخصوص صنف رنگرز، ۳- آتش پادشاه، ۴- آتش فن سفالگری، ۵- آتش مخصوص پخت آجر، ۶- آتش صنف رنجدیدگان، ۷- آتش فلزکاران، ۸- آتش ضرابخانه، ۹- آتش آهنگری، ۱۰- آتش ادوات جنگی، ۱۱- آتش خبازی، ۱۲- آتش تقطیر، ۱۳- آتش سپاهی(مسافر)، ۱۴- آتش شبان، ۱۵- آتش ساعقه، ۱۶- آتش خانه زرتشتی^{۱۲۶}. آن طور که در کتاب قانون دین زرتشتی، ونیدیا

تاکید شده است سوزاندن جسد عامل آلودگی آتش پنداشته شده است و گناه بزرگ شمارده می شود و کیفر مرگ دارد ولی در برهه ای از زمان سوزاندن جسد اجرا میشده است. وندیدا در زمان ساسانیان نگاشته شده است و به باور بسیاری از پژوهشگران از متونی متفاوت با آئین زرتشتی در عصر پادشاهان هخامنشی و اشکانی برخوردارست.

فرایند مقدس شدن آتش در آئین زرتشتی قدری پیچیده به نظر می آید. زیرا داستان های متضاد بسیاری مبنای ستایش آتش معرفی شده است. همان طور که در سطور پیشین هم اشاره شد قبل از ظهور زرتشت و رواج آئین او آتش پرستی و ستایش آتش در ایران باستان رواج داشته است و زرتشت با سعه صدر بسیاری از باورها و کنش های دینی پیشینیان از جمله ستایش آتش و آب و غیره را به دین خود ملحق کرده است. "مزدا" که لقب خدای آتش یا "آذر" است به "روشنائی بزرگ" معنا می شود^{۱۲۷} و این مزدا در واژه و مفهوم "هورمزدا" یا اهورامزدا، خدای نیک زرتشتی، خدای روشنائی بی نهایت، جایگاه فرزندی پیدا میکند. از طرفی ایزد مهر یا میترا که با خورشید این همانی داده می شود در پانتئون (دربار) اهورامزدا به فرزند او منتسب است. بنابراین جای شگفتی نیست که "مزدا" را برابر با "میترا" بپذیریم و اهورامزدا را در جایگاه پدر میترا، روشنائی و رای خورشید یا نور بینهایت بشناسیم، که البته همین طور هم هست. (تثلیث در آئین زرتشتی از اهورامزدا، میترا و آناهیتا ترکیب یافته است.)

رابطه روشنائی با آتش در استوره آفرینش اهورائی که یکی از سه ایده آفرینش در زرتشتی است خوبی مشهود است. در بُنْدَهَش کتاب استوره آفرینش جهان خاکی می آید که اهورا مزدا یا اورمزدا از روشنائی بینهایت خود تنی کامل از آتش می سازد، که از سر آن آسمان، از پای آن زمین و از دست چپ آن انسان (گیومرث) و از دست راست آن گاو را می آفریند. از موی این تن آتشین گیاه و از اشک آن آب پدید می آید. گیومرث اولین انسان در آئین زرتشتی است که در نهایت بدست اهریمن نابود می شود ولی از خون او هوشنگ زائیده می شود. جای شگفتی نخواهد بود که ذرات هستی و بخصوص انسان را از گوهر آتش بدانیم که هر آن شعله سر میکشد و در صدد پرواز به آسمان است. شاید بتوان گفت این اولین مناسبت ایجاد شده است تا از آتش درونی تعبیر یا توصیفی معنوی و عرفانی تولید کنیم. آتش درون جانداران و بخصوص انسان منبع جوشش توانائی های جسمانی و شعوری خواهد بود که هم خود زاینده و نوآورنده و گرم کننده و پرورش دهنده است که محدودیتی در برابر بالندگی خود پذیرا نیست. از این جاست که آتش به عنوان نماد روشنائی بینهایت اهورامزدا قبله مومنان زرتشتی می شود (فررتور ۲۵).

زرتشتی های با جامه سفید در هنگام عبادت با قرار گرفتن روبروی قبله آتش برای جلوگیری از آلوده شدن آتش از ماسک سفیدی که بینی و دهان آن ها را می پوشاند استفاده می کنند. زیرا آن ها بر این باورند که حتا دم و بازدم در هنگام اوستاخوانی آتش را آلوده میکند. در وندیدا کتاب قانون زرتشتی ها جرم های بسیار سنگینی برای افرادی که سبب آلوده شدن آتش می شوند در نظر گرفته شده است. سوزاندن نعش در آتش جرم مرگ را به همراه دارد. حتا پریدن از روی آتش در مراسم چهارشنبه سوری که از دورزمان های دیرینه به رسم ملی ایرانی ها تبدیل شده است در زرتشتی مذموم دانسته میشود

^{۱۲۷} تفسیر اوستا. جیمس دارمستتر، ترجمه دکتر موسی جوان. دنیای کتاب ۱۳۸۵

استوره تجربه آتش هوشنگ نیز مبنائی برای ستایش آتش یاد شده است. هوشنگ در هنگام شکار ماری را می بیند که بقصد کشتن آن سنگی را پرتاب میکند که بر حسب تصادف به مار نمی خورد، بلکه به سنگ دیگری اصابت می کند و از اخگر حاصل شده در محل آتشی بر پا می شود که مورد شادی و رضایت هوشنگ قرار می گیرد. هوشنگ دستور بر پائی جشن باشکوهی از آتش را میدهد که مبنای جشن سده می گردد.



فرتور ۲۵ - ۲ محراب و قبله زرتشتیان در عبادتگاه



فرتور ۲۶ - ۲ آتش جشن سده و دعا خوانی توسط پیروان آئین زرتشتی در ایران

از آن زمان به بعد ستایش آتش مرسوم و به احترام از آن جشن و نماز خوانی بر پا می شود. سده در روز دهم ماه بهمن، روز آبان یا آناهیتا، چهل روز بعد از یلدا مخصوصا در بین پیروان آئین زرتشت گرامی داشته میشود (فرتور ۲۶).

با وجود این که این جشن از جمله میراث های باور زرتشتی نیست ولی در طول تاریخ فرهنگی ایرانیان بوسیله این دین پذیرفته شده و هر ساله با شکوه برگزار می شود. در باره واژه "سده" نظرات متفاوتی بیان شده است. بنابر نظر دکتر مهرداد بهار "سده" به چم (معنی) پیدایش و آشکار شدن است و جشن سده برگزاری روز چهل ایزد مهر (شب یلدا) انگاشته می شود. بیرونی "سده" را برابر با عدد صد دانسته و گفته است که هرگاه بشمارند تا نوروز؛ صد شب و روز بدست می آید. یا این که سده مصادف با صدمین روز از فصل زمستان در تقویم کهن ایرانیان باشد. در تقویم کهن دو فصل یا چهره وجود داشته است. فصل اول تابستان هفت ماه سی روزه و فصل دوم زمستان پنج ماه سی روزه بوده است.

پیدایش آتش از برخورد و اصطهکاک دوسنگ به تعبیر این همانی گوهر سنگ و آتش می انجامد. سنگ نیز در ایران باستان به مانند باورهای ژاپنی (به صفحه ۳ نگاه کنید) در دل خود خاصیت نوزائی و نوآفرینی پیدا میکند. بی جهت نیست که در مقابل آتش که قبله زرتشتیان است سنگ سیاه (حجر الاسود) کعبه قبله مسلمانان می شود.

از طرفی به نقل از پیروان اولیه دین زرتشت پیدایش آتش و تقدس آن به نحو دیگری معرفی می شود. به عنوان مثال در شاهنامه اسفندیار پس از گرایش به این آئین می گوید که زرتشت آتش را از پیش خدا از بهشت به ارمغان آورده است:

بر افروختم آتش زردهشت که با مجمر آورده بود از بهشت

به پیروزی دادگر یک خدای به ایران چنان آمدم باز جای

که ما را به هر جای دشمن نماند به بت خانه ها در، بر همین نماند

این شاهد در تضاد با پیام زرتشت به اولین پیروی خود یعنی گشتاسب است که او را برای جستجوی آتش جمشید وادار می کند.

تقدس آب در فرهنگ ایران

جشن تیرگان یا جشن آب- از دیر باز در سیزدهم ماه تیر هر سال جشن تیرگان بر گزار میشده است. در استوره های جاویدان ایران در چنین روزی که شروع فصل گرما و خشکسالی است ستاره تیشتر (ستاره متعلق به ایزد مهر که شباهنگ نیز گفته میشود) با حرارت از آسمان باران میبارد. در چنین روزی بزرگسالان با ادای "نیاش مهر" و "نیایش خورشید" جشن را آغاز میکردند و بهمدیگر هدیه میدادند. هدایای را با روبان رنگینی که نشان از رنگین کمان حاصل از باران می بود زینت میدادند. در انتها بچه ها این روبان های رنگین را به دست خود می پیچیدند و با آب پاچیدن به یکدیگر در شور و شغف به بازی می پرداختند. این جشن به مدت ده روز ادامه می یافت و در روز آخر بچه ها روبان های خود را در هوا رها می کردند تا به ایزد "باد" سپرده شود.

تیشتر (دب اکبر) ستاره درخشانی است که حتا درخشش آن از خورشید هم قوی تر است ولی به جهت فاصله زیادش از زمین چشمگیر نیست. این ستاره در شب یلدا شب تولد ایزد مهر (میترا)

در آسمان تاریک به وجه زیبایی می درخشد به گونه ای که به خورشید شب موسوم است، درخشش ستاره تیشتر در شب یلدا را منادی تولد زود هنگام میترا در روز یلدا تعبیر می کنند. "نیایش مهر" یا "نیایش خورشید" درحین جشن تیرگان همچنان تأثیرات باورهای آئین مهرپرستی را تداعی میکند

تقدس آب در آئین مندائی- پیروان آئین صابئین یا صابیان (Sabean) آب را پرستش می کردند. آن ها قبل از آئین زرتشت به عنوان "مجوس اقدمین" فعال بودند و باقی مانده آن ها که به مومنین ماندائی (Mandaeism) موسوم هستند در اهواز کنونی ایران غسل در آب جاری را از فرایض اساسی دین خود میدانند. در باره وجه تسمیه دو واژه "صابی" و "ماندا" لزومن نظرات یکسان ابراز نشده است. برخی صابی را "زابی" منسوب به زاب که آب باشد را حقیقی میدانند و زاب نام دو رود بزرگ در غرب، در سرحدات ایران و عراق بوده است. آن ها پیروان آئین مهر بودند و در زمان پادشاهان اشکانی که به این دین ارج وافر روا داشته میشد و به عنوان دین دولتی شناخته می گردید از عزت و احترام شایانی برخوردار بودند. روز یکشنبه را که در بین مهرپرستان (میترائیست ها) روز مقدس ولادت مهر (ایزد آفتاب) تعبیر میشده است ستایش می کردند.

(در یادنگاشته های پیروان "عیسا ناصری" ... از ایزد بانوی آرتمیس که همان "آناهیتا" می باشد، یاد شده که پرستیده مردم آسیا و سراسر جهان بشمار می رفت و نگاهبان سنگ مقدسی بود که از آسمان به زمین آمده بود- پیامبر آریائی ص ۱۹۶).

"ماندا" به نظر جمعی از واژه مادا یا "ماد" مشتق شده است ولی فولتس^{۱۲۸} در کتاب "معنویت در سرزمین آزادگان" ماندئا (Manda) را یک واژه آرامی و به معنای "معرفت" می داند. ماندائی ها هم یکشنبه را روز اول هفته، روز تولد ایزد مهر مقدس میدانند. آن ها از پیروان حضرت یحیی (Johns) و در بین اعراب به مومنین حنفی موسوم اند.

ماندائی ها در جوار رودخانه و یا آب های جاری منزل دارند و مراسم غسل خود را که "رشامه" نامیده می شود در آب های جاری بر گزار می کنند. آن ها خود را در جامه سفید می پوشانند (فرتور ۲۷)، کمر بندی پشمین و سپید به دور کمر و دنباله دستارشان را به دور دهان می بندند. آن ها که به سپیدجامگان مندائی معروفند با "یردنا" یا وضو گرفتن با آب جاری و بوئیدن آب مراسم غسل خود را با خواندن سرودهای مذهبی و یاد خدا به انجام میرسانند. (یکی از فرشتگان شان "بهرام" نام دارد و قانونهایشان بسی همساز با کتاب وندیدا "قانون ضد دیو مزدائی ها" می باشد. مقام روحانی را "ریشا" می نامند که یادآور دینمردان تمدن آنتشان و شوش "ایلام" بوده و دامنه اش تا هند کهن نیز کشیده شده که در آنجا به گونه "ریشی" می خوانده اند- پیامبر آریائی ص ۱۹۷). مراسم "رشامه" شباهت بسیاری با مراسم "می سوگی" ژاپنی دارد.



فرتور ۲۷- ۲ مراسم "رشامه" یا غسل در آب های جاری در دین ماندانی(تصاویر از خبرگزاری مهر است)

بن مایه:

1. 火と水の祭りー民俗文化の源流を探るー淡交ムック、1996.5.2
2. 瓜生 中：知っておきたい日本の神話、2007,角川文庫 1 4 9 3 8
(استوره های ژاپن که آگاهی بر آن ها لازمست- ناکا اوچوو)
جالب است که نویسنده در ابتدای این کتاب انگیزه نگارش آن را در رابطه با یک جوان ایرانی میدانند که از ریشه های هویتی خود در نهایت غرور صحبت میکرده است. جوان ایرانی در حالی که از ریشه هویت خود در استوره های اسلامی(!) به خود می بالد از نویسنده در مورد ریشه هویتخودش سوال میکند که نویسنده از جواب مناسب در می ماند. همین آشنائی با جوان ایرانی و برانگیختن او عامل نگارش کتاب مزبور میگردد. (بعید نیست که نویسنده استوره های ایرانی را به تعبیر خود اسلامی فرض کرده باشد زیرا که ما چیزی به نام استوره اسلامی نداریم.)
3. 3 つの火の起源ー井本 英一、イラン研究ー第 6 号、2010-大阪大学院言語文化研究科、言語社会専攻 (専攻言語ペルシヤ語)
4. <http://wadaphoto.jp/maturi/kasima3.htm>
5. IMOTO Eiichi, Influence of Iranian Culture to Japan. In Journal of Iranian Studies(Iran Kenkyu), Vol II, 2006--- イラン研究、第 2 号、2006
6. 封印された日本古代史 ミステリー、久慈 力 著ー2008 Gakken-pp130
7. مولوی بلخی و سایه هما" نوشته م- جمالی
8. [hppt://en.wikipedia.org/wiki/Homa_%28ritual%29](http://en.wikipedia.org/wiki/Homa_%28ritual%29)
9. پیامبر آریائی- ریشه های ایرانی در کیش های جهانی. امید عطائی فرد- تهران: عطائی. ۱۳۸۶
10. تفسیر اوستا. جیمس دارمستتر، ترجمه دکتر موسی جوان. دنیای کتاب ۱۳۸۵
11. بندش- فَرَنبَغ دادگی، گزارنده مهرداد بهار- کتابخانه ملی ایران ۱۳۸۵
12. مجموعه قوانین زرتشت یا وندیدا اوستا- دارمستتر ترجمه دکتر موسی جوان- نشر دنیای کتاب ۱۳۸۵
13. SPIRITUALIT IN THE LAND OF THE NOBEL-How Iran Shaped the World's Religions. Richard C. Folts- one world publication,2004

[illegible]